

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



به نام خدا

### مشوراتلاق پژوهش

بیلاری از خداوند سبحان و اعتقاد به اینکه عالم محضر خداوند است و به‌عنوان ناظر بر اعمال انسان و به منظور پاس داشتن مقام بلند دانش پژوهش و نظریه‌ایست جایگاه و دانشگاه در اعلامی فزاینده و تمدن بشری مادی و انجمنیان و احسنای بیات علمی و احسنای دانشگاه آزاد اسلامی متعهد می‌گردیم.

اصول زیر را در انجام فعالیت های پژوهشی در نظر قرار داده و از آن تخطی نکنیم:

الشرام بر برانت جوی از حرکت زرقار غیر حرفه ای و اعلام موضوع نسبت به کلماتی که حوزه علم و پژوهش را به سبب های غیر علمی می‌پایزند. ۱- اصل برانت:

تعمد به اجتناب از حرکت زرقار جانب داری غیر علمی و حفاظت از اموال بهنجرات و منابع در اختیار. ۲- اصل رعایت انصاف و انانیت:

تعمد به رواج دانش و دانش تالیف تحقیقات و انتقال آبه به کلان علمی و انجمنیان به غیر از مواردی که منع قانونی دارد. ۳- اصل ترویج:

تعمد به رعایت حریم ها و حرمت ها در انجام تحقیقات و رعایت جانب تعد و خودداری از حرکت زرقار حرمت شکنی. ۴- اصل احترام:

الشرام به رعایت کامل حقوق پژوهشگران و پژوهشگران (انسان حیوان و نبات) و سایر مساجان حق. ۵- اصل رعایت حقوق:

تعمد به صیانت از اسرار و اطلاعات محرمانه افراد سازمان ها و کشورها و دیگر افراد و نهاد های مرتبط با تحقیق. ۶- اصل رازداری:

تلاش در راستای پی جویی حقیقت و وفاداری به آن و دوری از حرکت زرقار پنهان سازی حقیقت. ۷- اصل حقیقت جویی:

تعمد به رعایت کامل حقوق مادی و معنوی دانشگاه و دیگر به کلان پژوهش. ۸- اصل مالکیت مادی و معنوی:

۱-۹ اصل منافع ملی: تعمد به رعایت مصالح ملی و در نظر داشتن به پیشبرد توسعه کشور در دیگر مراحل پژوهش.



**دانشگاه آزاد اسلامی**

**واحد تهران مرکزی**

**دانشکده ادبیات و علوم انسانی**

**پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد رشته الهیات و معارف اسلامی (M.A)**

**گرایش:**

**فقه و مبانی حقوق اسلامی**

**عنوان:**

**بررسی فقهی و حقوقی مصادره اموال با تکیه بر آراء امام خمینی (ره)**

**استاد راهنما:**

**دکتر جمشید معصومی**

**پژوهشگر:**

**حامد داودی**

**تابستان ۱۳۹۴**

تقدیم:

به پدر و مادر عزیزم که همیشه دعای خیرشان بدرقه راهم بود

و تقدیم به همسر مهربانم که در تمام مراحل زندگی در کنارم بود

تقدیر و تشکر:

باسپاس فراوان از استاد ارجمند

جناب آقای دکتر حمید معصومی

که در نگارش این پایان نامه از بیچ گلی دریغ ننمودند.

## فرم تعهد نامه اصالت رساله یا پایان نامه

اینجانب حامد داودی دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد در رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی که در تاریخ ۹۴/۰۶/۲۹ از پایان نامه خود تحت عنوان **بررسی فقهی و حقوقی مصادره اموال با تکیه بر آراء امام خمینی (ره)** با کسب نمره ۱۷/۷۵ و هفده و هفتاد و پنج صدم با درجه بسیار خوب دفاع نموده ام بدینوسیله متعهد می شوم:

۱) این پایان نامه حاصل تحقیق و پژوهش انجام شده توسط اینجانب بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان نامه، کتاب، مقاله و.....) استفاده نموده ام، مطابق ضوابط و رویه موجود، نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آنرا در فهرست مربوط ذکر و درج کرده ام.

۲) این پایان نامه قبلاً برای دریافت هیچ مدرک تحصیلی (هم سطح، پایین تر یا بالاتر) در سایر دانشگاهها و موسسات آموزش عالی اراده نشده است.

۳) چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده و هرگونه بهره برداری اعم از چاپ کتاب، ثبت اختراع و... از این پایان نامه یا رساله داشته باشم، از حوزه معاونت پژوهشی واحد مجوزهای مربوطه را اخذ نمایم.

۴) چنانچه در هر مقطع زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن را می پذیرم و دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات مجاز است با اینجانب مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و در صورت ابطال مدرک تحصیلی ام هیچگونه ادعایی نخواهم داشت.

تاریخ و امضاء:

## بسمه تعالی

در تاریخ ۹۴ / ۰۶ / ۲۹

دانشجوی کارشناسی ارشد حامد داودی از پایان نامه خود دفاع  
نموده و با نمره ۱۷/۷۵ بحروف هفدهو هفتادو پنج صدم و با درجه  
بسیار خوب مورد تصویب قرار گرفت.

امضاء استاد راهنما

بسمه تعالی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

(این چکیده به منظور چاپ در پژوهش نامه دانشگاه تهیه شده است)

نام واحد دانشگاهی: تهران مرکزی	کد واحد: ۱۰۱	کد شناسایی پایان نامه: ۱۰۱۲۰۴۰۷۹۳۱۰۰۷
<b>عنوان پایان نامه: تحقیق: بررسی فقهی و حقوقی مصادره اموال با تکیه بر آراء امام خمینی</b>		
نام و نام خانوادگی دانشجو: حامد داودی	تاریخ شروع پایان نامه: ۱۳۹۳/۷/۲۸	تاریخ اتمام پایان نامه: ۱۳۹۴/۶/۲۹
شماره دانشجویی: ۹۱۰۶۲۷۰۰۶	رشته تحصیلی: فقه و مبانی حقوق اسلامی	
استاد راهنما: دکتر جمشید معصومی	استاد داور داخلی: دکتر مجید وزیری	
<p>چکیده پایان نامه (شامل خلاصه، اهداف، روش های اجرا و نتایج به دست آمده):</p> <p>مصادره عبارت است از تملیک اموال خصوصی بدون پرداخت غرامت که اغلب به عنوان مجازات و محکومیت در قبال جرم و گاه به دلیل تصرف و استفاده غیر قانونی از مال صورت میگیرد. ومبانی مشروعیت آن از این قرار است: آیات و روایات-قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران .</p> <p>مصادره ماهیتا یک نوع مجازات است خواه مجازات اصلی یا مجازات تکمیلی اما مصادره هایی که به فرمان امام خمینی (ره) صورت گرفته و معظم اله از آن دفاع کرده اند ماهیت حقوقی دارند. مصادره انواع مختلفی دارد از جمله : مصادره عام و مصادره خاص ، مصادره کیفری و مصادره مدنی ، مصادره اجباری و مصادره اختیاری و مصادره عین و مصادره به بها. امام خمینی (ره) مصادره اموال را بر مبنای مبانی فقهی و حقوقی صحیح دانستند و از آن دفاع نموده اند. ایشان همواره مصادره را به دلیل غصب اموال عمومی و غارت بیت المال ویا به دلیل بدهی به ملت جایز شمردند اما ایشان بارها مصادره اموال مشروع را مغایر با موازین اسلامی دانسته و در نهایت طی فرمانی از مسولان میخواهند با جدیت از مصادره اموال مشروع جلوگیری کرده و متخلفین را به مجازات برسانند همچنین به این نتیجه رسیدیم که مصادره و ضبط اموال توجیه فقهی و حقوقی دارد و اجرای این امر با توجه به ادله مطرح شده لازم و ضروری است . روش اجرا در این تحقیق مطالعات کتابخانه ای بود که کتب ،مقالات ،پایان نامه ها و همچنین فضای مجازی مورد بررسی قرار داده شد .</p> <p>واژگان کلیدی : ضبط، مصادره ،فقه و حقوق ، مالکیت</p>		

مناسب است

نظر استاد راهنما برای چاپ در پژوهش نامه دانشگاه

مناسب نیست

تاریخ و امضاء



## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	فصل اول : کلیات
۲-۱-۱-۱	مقدمه : .....
۵-۲-۱	واژه شناسی : .....
۵-۱-۲-۱	ضبط : .....
۵-۱-۱-۲-۱	ضبط در لغت : .....
۶-۲-۱-۲-۱	ضبط در اصطلاح : .....
۸-۳-۱-۲-۱	مفهوم ضبط در قوانین جزائی ایران : .....
۱۰-۲-۲-۱	مصادره : .....
۱۰-۱-۲-۲-۱	مصادره در لغت : .....
۱۲-۲-۲-۱	مصادره در اصطلاح : .....
۱۴-۳-۲-۲-۱	رابطه الفاظ ضبط و مصادره : .....
۱۴-۴-۲-۲-۱	تفاوت مصادره اموال با ملی کردن آن : .....
۱۵-۵-۲-۲-۱	تفاوت مصادره اموال با جزای نقدی : .....
۱۵-۳-۲-۱	مال : .....
۱۵-۱-۳-۲-۱	مال در لغت : .....
۱۶-۲-۳-۲-۱	مال در اصطلاح : .....
۱۷-۳-۳-۲-۱	مالکیت در اسلام و دیدگاه‌های امام خمینی (ره) : .....
۲۱-۳-۱	تاریخچه مصادره : .....
۲۱-۱-۳-۱	مصادره در فقه اسلام : .....
۲۴-۲-۳-۱	تاریخچه مصادره اموال در جمهوری اسلامی : .....

## فصل دوم : ماهیت ، انواع و اهداف مصادره

- ۲-۱-۱- انواع ضبط : ..... ۲۷
- ۲-۱-۱-۱- ضبط موقت یا بازداشت موقت اموال : ..... ۲۷
- ۲-۱-۱-۱-۱- موارد ضبط موقت اموال : ..... ۲۷
- ۲-۱-۲- ضبط دائم یا مصادره اموال : ..... ۲۹
- ۲-۱-۳- تفاوت ضبط موقت و دائم اموال : ..... ۳۰
- ۲-۲- ماهیت مصادره : ..... ۳۱
- ۲-۲-۱- بررسی مصادره تحت عنوان حقوقی و جزایی : ..... ۳۱
- ۲-۲-۲- ماهیت مصادره اموال از دیدگاه امام خمینی (ره) : ..... ۳۴
- ۲-۳- انواع مصادره : ..... ۳۸
- ۲-۳-۱- مصادره عام و مصادره خاص : ..... ۳۸
- ۲-۳-۲- مصادره کیفری و مصادره مدنی : ..... ۴۰
- ۲-۳-۳- مصادره اجباری و مصادره اختیاری : ..... ۴۱
- ۲-۳-۴- مصادره عین و مصادره بهاء : ..... ۴۲
- ۲-۴- اهداف و موجبات ضبط و مصادره اموال : ..... ۴۵
- ۲-۴-۱- اهداف ضبط و مصادره اموال : ..... ۴۵
- ۲-۵- محاسن و معایب ضبط و مصادره اموال : ..... ۴۶
- ۲-۵-۱- محاسن ضبط و مصادره اموال : ..... ۴۶
- ۲-۵-۱-۱- امکان انتخاب به عنوان جایگزین زندان : ..... ۴۶
- ۲-۵-۲- معایب ضبط و مصادره اموال : ..... ۴۹
- ۲-۵-۲-۱- تعارض با اصل شخصی بودن مجازات ها : ..... ۴۹
- ۲-۵-۲-۲- امکان استفاده از جزای نقدی به جای مصادره اموال : ..... ۵۱

## فصل سوم : مبانی مشروعیت مصادره

- ۳-۱- کلیات : ..... ۵۴
- ۳-۱-۱- مشروعیت مالکیت خصوصی : ..... ۵۴
- ۳-۱-۱-۱- محدودیت مالکیت خصوصی از دیدگاه امام (ره) : ..... ۵۵
- ۳-۱-۱-۲- حرمت و بطلان مصادره اموال مشروع : ..... ۵۵
- ۳-۱-۲- حل تعارض مشروعیت مالکیت خصوصی و حکم مصادره اموال : ..... ۵۶
- ۳-۱-۳- مشروعیت مالکیت خصوصی در حقوق ایران : ..... ۵۷
- ۳-۱-۴- اموال عمومی در حقوق ایران : ..... ۵۸
- ۳-۲- مبانی حقوقی مصادره اموال : ..... ۵۸
- ۳-۲-۱- قوانین مرتبط : ..... ۶۱
- ۳-۲-۱-۱- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران : ..... ۶۱
- ۳-۲-۱-۲- قانون حفاظت و توسعه صنایع ایران : ..... ۶۲
- ۳-۲-۱-۳- قانون لغو مالکیت اراضی شهری و کیفیت عمران آن : ..... ۶۳
- ۳-۲-۱-۴- قانون معادن : ..... ۶۴
- ۳-۲-۱-۵- قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران : ..... ۶۴
- ۳-۲-۱-۶- چگونگی ضبط و مصادره اموال قاچاقچیان : ..... ۶۵
- ۳-۲-۱-۷- بررسی و تحلیل رأی وحدت رویه رأی ۶۲۵ - ۱۳۷۷/۷/۸ ..... ۶۶
- ۳-۳- مبانی مشروعیت ضبط و مصادره اموال : ..... ۶۷
- ۳-۳-۱- دلایل مشروعیت تعزیر مالی : ..... ۶۷
- منابع..... ۷۵

## چکیده :

مصادره عبارت است از تملک اموال خصوصی بدون پرداخت غرامت که اغلب به عنوان مجازات و محکومیت در قبال جرم و گاه به دلیل تصرف و استفاده غیر قانونی از مال، صورت می‌گیرد. و مبانی مشروعیت آن از این قرار است : (۱) آیات و روایات ، (۲) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ؛ مصادره ماهیتاً یک نوع مجازات است ، خواه مجازات اصلی و یا مجازات تکمیلی . اما مصادره‌هایی که به فرمان امام خمینی (ره) صورت گرفته و معظم له از آن دفاع کرده‌اند ، ماهیت حقوقی دارد. مصادره انواع مختلفی دارد از جمله : مصادره عام و مصادره خاص ، مصادره کیفری و مصادره مدنی، مصادره اجباری و مصادره اختیاری و مصادره عین و مصادره بهاء . امام خمینی (ره) مصادره اموال را بر مبنای مبانی فقهی و حقوقی صحیح دانسته و از آن دفاع نموده اند ، ایشان همواره مصادره را به دلیل غصب اموال عمومی و غارت بیت المال و یا به دلیل بدهی به ملت ، جایز شمرده اند ؛ اما ایشان بارها مصادره اموال مشروع را ، مغایر با موازین اسلام دانسته و در نهایت طی فرمانی از مسئولین می خواهند ، با جدیت از مصادره اموال مشروع جلوگیری کرده و متخلفین را به مجازات برسانند، همچنین به این نتیجه رسیدیم که مصادره و ضبط اموال توجیه فقهی و حقوقی دارد و اجرای این امر با توجه به ادله مطرح شده لازم و ضروری است .

واژگان کلیدی : ضبط ، مصادره ، امام خمینی (ره) ، مالکیت .

# فصل اول

## کلیات

## ۱-۱- مقدمه :

### بیان مسئله :

مروري بر حوادث سالهاي نخستين پس از پيروزي انقلاب اسلامي ، به ويژه سالهاي ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۱ نشان مي‌دهد که يکي از جنجالي‌ترين مباحث آن دوره مسئله مصادره اموال بوده است . ظاهراً نقطه آغازين اين موضوع به فرمان تاريخي امام خميني (قدس سره) باز مي‌گردد که طی آن ، حکم مصادره اموال سلسله پهلوي و عمال و مربوطين به آن را صادر نمودند . پس از آن ، مصادره جنبه عمومي تري پيدا کرد و اموال تعدادي از سرمايه داران و زمين داران بزرگ نیز مصادره شد . در ادامه اين جريان به تدريج مصادره جنبه قانوني به خود گرفت و قوانين چندي در اين باره به تصويب رسيد . اما هم چنان مصادره بحث‌انگيز بود . / در حالي که انقلابيون و نهادهاي برآمده از انقلاب همچون جهاد سازندگي ، کميته‌ها و دادگاه‌هاي انقلاب از آن استقبال مي‌کردند ، گروهی ديگر از جمله برخي از عالمان ديني و محافل فقهي به شدت از آن استبعاد نموده و آن را امري بي سابقه در فقه اسلامي و خلاف شرع مي‌دانستند .

با اين همه ، امام خميني (ره) همچنان از مصادره اموال دفاع مي‌کردند . اين موضع‌گيري جدا از ايرادهاي ياد شده ، با مباني معظم له نیز ظاهراً ناسازگار بود ؛ ايشان در آثار فقهي خود بارها از اصل حرمت اموال و احترام مالکيت خصوصي دفاع کرده بودند ، چرا که اصولاً مشروعيت مالکيت

خصوصی از ضروریات فقه اسلامی است، همچنین قانون اساسی که مورد تأیید و تأکید ایشان بود در اصول ۴۴، ۴۶، ۴۷ و نیز قانون مدنی که مهم‌ترین نظام نامه روابط حقوقی شهروندان جمهوری اسلامی است در موادی چند از جمله مواد ۳۰ و ۳۱، مالکیت خصوصی را به رسمیت شناخته‌اند.

از سوی دیگر، این تحقیق صرفاً از منظر تئوریک به موضوع می‌نگرد. از همین رو نظری به مصادره‌های انجام شده ندارد و همه آنها را تأیید نمی‌کند، زیرا شماری از مصادره‌ها غیر شرعی و خلاف قانون بوده است. تحقیق میدانی روند مصادره در طول سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی و اظهارات صریح مسئولان دولتی و نیز برخورد‌های متفاوت قوه قضائیه با موضوع، به وضوح مدعای یاد شده را تأیید می‌کند.

#### سؤال تحقیق:

- ۱- مصادره چیست و مبانی فقهی و حقوقی مشروعیت آن کدام است؟
- ۲- نظر امام خمینی (ره) در مورد مالکیت خصوصی در حقوق اقتصادی مردم کدام است؟
- ۳- حکم مصادره چگونه حکمی است و از اختیارات چه کسی است؟

#### فرضیه تحقیق:

- ۱- مصادره به معنی ضبط دائم اموال است و در آیات و روایات و قوانین جمهوری اسلامی ایران به آن اشاره شده است.
- ۲- امام خمینی (ره) ضمن دفاع از مصادره اموال، به حرمت اموال مشروع و مشروعیت مالکیت خصوصی در حقوق اقتصادی مردم تصریح داشته‌اند.
- ۳- مصادره یک حکم حکومتی و از اختیارات ولی فقیه است.

## پیشینه تحقیق :

با توجه به مطالعاتی که نگارنده در زمینه پیشینه تحقیق به عمل آورد ، پیرامون بحث مصادره اموال ، کتب ، مقالات و پایان نامه های کمابیش متعددی را مشاهده نمود ، که برخی از این موارد مورد استفاده نگارنده نیز بوده و در منابع به آن اشاره شده است . همچنین در مورد نظرات امام خمینی (ره) در زمینه موضوع مصادره نیز مطالبی یافت گردید ، از جمله : مقاله جناب آقای حسین سیمائی ، و همچنین در صحیفه امام (ره) که مجموعه گرانقدری از فرمایشات رهبر کبیر انقلاب قدس سره می باشد بیانات ایشان پیرامون این مسئله درج گردیده است و نیز کتاب حقوق مصادره نوشته حمید دلیر و ضبط ، مصادره ، استرداد و ضبط اموال حاصله از حرم از دکتر حمید محمدی ، به این موضوع اشاره نموده اند .

اما هر چه جلوتر رفته و به دنبال منبعی کامل پیرامون بررسی فقهی و حقوقی این موضوع و نظریات حضرت امام (ره) ، به صورت یک پیکره ، گشتیم ، به این مهم به صورت کامل دست نیافتیم.

لذا نگارنده بر آن شد تا با جمع آوری نظرات فقهی و حقوقی و همچنین مواضع حضرت امام (ره) ، منبع کاملی پیرامون نظرات فقهی و حقوقی ایشان در مورد بحث ضبط و مصادره اموال را تدوین کند . امید است این تحقیق طریقی برای آشنایی دانشجویان حقوق و الهیات در فهم هرچه بهتر نظریات فقهی و حقوقی حضرت امام خمینی (ره) ، در زمینه ضبط و مصادره اموال باشد .

## روش تحقیق :

روش گردآوری مطالب در این تحقیق را می توان تحت عنوان تحقیق علمی و نظری قرار داد برای این تحقیق از روش کتابخانه ای استفاده شده است و کتب ، مقالات ، پایان نامه ها و سایت های اینترنتی مربوطه ، به دقت مورد بررسی قرار گرفته است . در بسیاری از قسمت های پایان نامه برای



جلوگیری از اطاله گویی و افزایش کیفی پایان نامه ، مطالب به صورت موجز اما دقیق بیان گردیده است تا خواننده این تحقیق هم از نقطه آغاز با مطالب قابل فهم روبرو باشد و هم به اهمیت بسیار زیاد موضوع علی الخصوص برای دریافت نظرات صحیح حضرت امام خمینی (ره) پی ببرد .

## ۱-۲- واژه شناسی :

ضبط و مصادره از جمله اصطلاحاتی هستند که در حقوق ایران مفهوم دقیق آن مشخص نیست و هر یک از این عناوین به معانی مختلفی در قوانین به کار رفته است. در این گفتار به بررسی مفهوم دقیق این دو عنوان و عناوین دیگر که مرتبط با بحث است می پردازیم و علاوه بر آن، پیشینه تاریخی و تقنینی ضبط و مصادره در حقوق ایران را بررسی کرده و انواع مصادره را نیز بیان خواهیم کرد.

## ۱-۲-۱- ضبط :

### ۱-۲-۱-۱- ضبط در لغت :

ضبط از ریشه ، ضَبَطَ ، یعنی گرفت ، نگهداشت ، دستگیر کرد ، جلوگیری کرد، پیروز شد، غلبه یافت، توقیف کرد و مصادره کرد. ضبط یعنی، توقیف؛ نگهداری، بازداشت و ضبط در اموال به معنی مصادره کردن است، ضبط در نفس به معنی تسلط بر نفس است مَضْبُوط یعنی در حال توقیف . اَضْبَطَ کسی است که هر دو دستش در فرمان او باشد . ضابِط یعنی افسر و ضابطه به معنی پلیس و سازمان شهربانی. (انطون الیاس، ۱۳۸۵، ۷۵).<sup>۱۰</sup>

ضبط در المنجد، به معنی گرفتن و نگهداشتن به زور و اجبار، ضبط زمین یعنی توقیف آن و به

معنی به زور گرفتن و توقیف کردن چیزی است . ( المنجد، ۱۹۸۶ ، ۴۴۵ )

در فرهنگ عمید، ضبط به معنی نگهداشتن، حفظ کردن، محکم کرد، نگهداری و بایگانی و ضابطه به معنی، نگاهدارنده و حفظ کننده آمده . ( عمید ، ۱۳۴۵ ، ۷۰ )

در فرهنگ معین آمده ضبط به معنی حفظ کردن و نگاه داشتن و تصرف کردن و در قبضه درآوردن نگاهداری و ضبط کردن به معنی حفظ کردن و تصرف کردن و به مالکیت گرفتن و بایگانی کردن ضبط گونه ، شبه تصرف را گویند . ضبط بیگی در قدیم، کسی ( مأموری ) بود که خدمت ضبط اموال و اثاثه باقی داران به واسطه او بود . ( معین ، ۱۳۶۲ )

در فرهنگ لاروس آمده ، ضبط به معنی، نگهداری کردن از چیزی به سختی، عرب می گوید : ضَبَطَ الْأَرْضَ ، یعنی باران زمین را فرو پوشانید . ( طیبیان ، ۱۳۶۵ )

معادل انگلیسی ضبط ، واژه سیژر<sup>۱</sup> می باشد . برخی از نویسندگان ، ضبط را معادل واژه انگلیسی فورفیچر<sup>۲</sup> دانسته اند. ( عباسی ، ۲۷۸ )

اما باید توجه داشت که ظاهراً منظور از ضبط در نظر آنان، همان مصادره بوده است و همان طور که بعداً خواهیم دید، استعمال ضبط در مفهوم مصادره، چندان صحیح نیست؛ و ظاهراً این موضوع ناشی از این است که در ترجمه ی فارسی برخی از اسناد بین المللی، واژه ی فورفیچر به معنای ضبط ترجمه شده است.

#### ۱-۲-۱-۲- ضبط در اصطلاح :

معنای اصطلاحی ضبط نیز، مرتبط با معنای لغوی آن است؛ چنانکه برخی از حقوقدانان گفته اند: ضبط مال به معنای نگهداری و توقیف آن است که اگر برای همیشه و به نفع دولت برداشته شد؛ مصادره نیز نامیده می شود ضبط موقت اشیاء و اموال معمولاً در مرحله ی تحقیق و کشف جرم به عمل می آید. (زراعت عباس ، ۱۳۸۲ ، ۱۰۵ )

<sup>۱</sup> . Seizure.

<sup>۲</sup> . Forfeiture.

حقوقدان دیگری، ضبط را از نظر حقوقی چنین تعریف کرده است:

« ضبط عبارت است از توقیف مال موجود و کشف شده ی حاصل از جرم کسی به طور موقت و بدون حق برداشت، که در اموال و اشیاء مربوط به ارتکاب جرم یا اموال حاصل از جرم، و به موجب دستور یا قرار و یا حکم مقام صلاحیت دار قانونی صورت می گیرد، و موکول به استرداد به مالک و متصرف قانونی آن (اعاده) می باشد و لذا نفع و حقوق مالک و متصرف، قانوناً محفوظ و در مدت توقیف، مال در نزد ضابط به امانت خواهد بود ». ( محمدی ، ۱۳۹۰ ، ۴۶ )

قانون الحاق به کنوانسیون ملل متحد برای مبارزه با قاچاق مواد مخدر و داروهای روانگردان مصوب سوم آذر ماه ۱۳۷۰ در ماده ۱ در بند ج « ضبط » را چنین تعریف کرده است : ضبط ( که در موارد مقتضی شامل جریمه نیز می گردد ) ، به معنای ، محرومیت دائم از مالکیت به موجب دستور صادره از یک دادگاه و یا مرجع صالح دیگر می باشد .

به طوری که ملاحظه می شود این تعریف با معنای مصادره بیشتر سازگاری داشته و همیشه با اختیارات دادگاه ملازمت دارد و لذا نیاز به صدور حکم از دادگاه دارد و از همین روی باید گفت که منظور از دستور نیز در این تعریف همان حکم دادگاه می باشد و احتمالاً در ترجمه مطلب چنین وجهی را یافته است .

چنانکه در اصطلاح حقوقی خارجی ، مصادره یا ضبط مال توسط دولت را ریکوئیشن<sup>۱</sup> معنی کرده اند و به معنی بازگیری و جریمه مالی نیز آمده است و اما بیشتر همان معنی ، بازگرفتن ، به مصادره بردن ، و مصادره کردن و گرفتن از ... می باشد . و منظور از دستور نیز همان اوردر<sup>۲</sup> معنی حکم می باشد .

در فرهنگ اصطلاحات ذیل واژه seize ( n - seizure ) نوشته شده ، ضبط کرد ، توقیف کردن، قانوناً متصرف شده، تصرف کردن، مصادره کردن. ( فرهنگ اصطلاحات حقوقی انگلیسی به فارسی ترجمه دیوان داوری دعاوی ایران لاهه ، ۱۳۶۸ )

<sup>۱</sup> . Requestion.

<sup>۲</sup> . Order.

و در معنای ضبط، بیشتر، توقیف کردن و ضبط کردن و مصادره موقت مترادف **confiscation**، **confiscate** اصطلاح شده است معادل **retention** که این معنا در بند (ر) ماده ۱ کنوانسیون چنین آمده: انسداد و یا توقیف به معنای ممنوعیت موقت انتقال، تبدیل، واگذاری و یا جابجا نمودن مال و یا نگهداری و یا کنترل موقتی مال بر مبنای دستور صادر از دادگاه و یا مرجع صالحه می باشد.

در فرهنگ حقوقی بلک<sup>۱</sup> واژه های سیز<sup>۲</sup> و سیژر<sup>۳</sup> به معانی مختلفی از جمله تصرف اجباری یک شخص یا مال، به تصرف دیگری در آوردن، متصرف بودن و اقدام یا دعوی تصرف انسان یا مال از طریق رسیدگی حقوقی معنا شده است. ( **black's law dictionary p.1389** )

#### ۱-۲-۱-۳- مفهوم ضبط در قوانین جزائی ایران :

واژه ضبط در قوانین جزائی ایران در مفاهیم و معانی ذیل به کار رفته :

#### الف ( ضبط به معنی توقیف و بازداشت موقت اشیاء و اموال :

به طور مثال ماده ۱۰۷ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۰/۶/۱۱ مقرر نموده :

آلات و ادوات جرم از قبیل حربه، اسلحه، اسناد ساختگی، سکه تقلبی و کلیه اشیایی که در حین بازرسی به دست آمده می تواند موجب کشف جرم یا موجب اقرار متهم به جرم باشد ضبط شده و در صورت مجلس؛ هر یک از اشیای مزبور تعریف و توصیف شد .

و یا اینکه ماده ۱۱ قانون آئین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب

۱۳۷۸/۱/۲۲ مقرر داشته:

اموال مسروقه یا اشیایی که به واسطه ارتکاب جرم تحصیل شده و یا هر نوع مالی که در جریان تحقیقات توقیف شده باید به دستور قاضی، به کسی که مال از او سرقت رفته و یا اخذ شده مسترد

<sup>1</sup> . Black's Law Dictionary.

<sup>2</sup> . Seize.

<sup>3</sup> . Seizure.

شود .....اشیایی که برابر قانون باید ضبط یا معدوم شود از حکم این ماده مستثنی است . ضبط موقت اشیاء و اموال اغلب در مرحله کشف و تحقیق جرم از سوی ضابطین عدلیه و گاهی در مرحله تحقیقات در دادگاه صورت می گیرد.

#### ب) ضبط به معنی مصادره مال :

ماده ۴ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷/۹/۱۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام مقرر داشته:

( کسانی که با تشکیل یا رهبری شبکه چند نفری به امر ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مبادرت ورزند علاوه بر ضبط کلیه اموال منقول و غیر منقول که از طریق رشوه کسب کرده اند به نفع دولت و استرداد اموال مذکور در مورد اختلاس و کلاهبرداری و رد آن حسب مورد به دولت یا افراد، به جزای نقدی معادل مجموع آن اموال وانفصال دائم از خدمات دولتی و حبس از ۱۵ سال تا ابد محکوم می شوند و در صورتی که مصداق مفسد فی الارض باشند مجازات آنها، مجازات مفسد فی الارض خواهد بود ).

و یا ماده ۱۴ قانون تشدید مجازات مرتکبین جرائم مواد مخدر مصوب ۱۳۵۹ مقرر داشته :

( کلیه اموال منقول و غیر منقول اشخاصی که به علت ارتکاب جرایم مندرج در مواد ۲ و ۶ و ۷ و ۱۱ و ۱۳ این قانون تحت تعقیب قرار گیرند به دستور دادستان ضبط و پس از صدور حکم قطعی به نفع دولت مصادره خواهد شد و وسایل نقلیه حامل مواد مخدر نیز پس از صدور حکم قطعی در اختیار سازمان کشف جرم به منظور استفاده در امر مبارزه با قاچاق مواد مخدر قرار خواهد گرفت ).

۱-۲-۲-۱- مصادره :

۱-۲-۲-۱- مصادره در لغت:

مصادره از ریشه صَدَرَ یعنی انصراف و برگشت دادن و مصدر به معنی اصل و سرچشمه و ریشه. عرب در اموال می گوید: (صادرالمال) یعنی: استباحه الحکومه به معنی مصادره کرد مال را (انطون الیاس، ۱۳۵۸).

در فرهنگ عمید، مصادره به معنی، مال کسی را به زور ضبط کردن، بازگیری جریمه و تاوان گرفتن آمده. (عمید، ۱۳۵۴)

راغب در مفردات آورده: مصادره از ریشه صَدَرَ یعنی، انصراف و برگشت دادن برگشتن مثلاً می گویی: صَدَرَتِ الْإِبِلُ عَنِ الْمَاءِ صَدْرًا: یعنی شتر از آب برگشت. (راغب اصفهانی مفردات القرآن، ۱۳۶۵)

در قاموس آمده: فعل صَدَرَ چون با (عَنْ) متعدی شود معنی رجوع و برگشتن و برگردانیدن می دهد. (صَدَرَ عَنِ الْمَكَانِ) یعنی از مکان برگشت و چون با (مَنْ) متعدی می شود، به معنی بروز و ظهور باشد، (صَدَرَ مِنْهُ الْأَمْرُ) یعنی این کار از او بروز کرد، و نیز (صَدَرَ) به معنی رجوع و ارجاع (لازم-متعدی) آمده است.

در قرآن کریم آمده است:

(قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّى يُصَدِرَ الرِّعَاءُ) سوره مبارکه قصص، آیه ۲۳، یعنی: گفتند ما گوسفندان خود را آب نمی دهیم تا چوپانها مواشی خود را از آب برگردانند. (قریشی، ۱۳۵۴)

در لغت نامه دهخدا ذیل ماده مصادرت آمده است: (مصادره، اسم مصدر مأخوذ از تازی، جریمه گیری، جریمه کردن، جریمه گرفتن و خوارزمیان را برگماشت تا دزدی می کردند و مصادرت می کردند). (تاریخ بخارا، نشرخی، ۹۲)

و باز ذیل مصادره می نویسد : مطالبه و مطالبه کردن چیزی را از کسی گویند و تاوان فرمودن کسی را بر مال نیز گفته اند، و از اصطلاح مستوفیان، دیوان، ضبط در ازاء مالی که در ضمان به عهده شخص قرار گرفته و از او اخذ می شود.

در فرهنگ فارسی معین، مصادره، به معانی مختلفی، و از جمله تاوان گرفتن، جریمه کردن، خون کسی را به مال او فروختن و مطالبه کردن به کار رفته است . (معین ، ۱۳۶۲)

ذیل مصادره معادل انگلیسی مصادره، واژه های ( *confiscation* ) و ( *forfeiture* ) است. در فرهنگ حقوقی آکسفورد، اصطلاح ( *confiscation order* ) به معنای « دستوری که شخصی که از طرف دادگاه به خاطر یک جرم محکوم شده و از ارتکاب جرم منتفع شده است ، را ملزم به پرداخت مبالغی می کنند » ، ذکر شده است . (Martin Elizabeth p.116)

واژه ی *forfeiture* نیز در فرهنگ مذکور به معنای « از دست دادن مال یا حق به عنوان نتیجه یک جرم و یا به خاطر نقض یک تعهد» معنا شده است . (Ibid p.229)

در دائره المعارف حقوق آمریکا ، واژه های «*forfeit*» و «*forfeiture*» ، به معانی مختلفی، از جمله « از دست دادن امتیاز، حق یا مال به نفع شخص دیگر با دولت، به واسطه ی ارتکاب یک اشتباه، جرم، جنایت، تخلف از قرارداد ، و صرف نظر کردن غیرارادی از پول یا مال بدون جبران خسارت، به عنوان نتیجه نقض یا اعم اجرای برخی از تعهدات قراردادی یا ارتکاب جرم» به کار رفته است . (Lehmanand Jeffrey p.456)

در فرهنگ حقوقی *black* ، واژه ( *forfeiture* ) به معنای محروم کردن از مال بدون جبران خسارت؛ از دست دادن حق، امتیاز، یا مال به واسطه جرم ، عدم انجام تعهدات ، یا قصور در انجام وظیفه ذکر شده است . (Garner Bryan p.677)

در فرهنگ مذکور، واژه های ( *confiscate* ) و ( *confiscation* ) نیز به معنای تصاحب مال به نفع دولت .

در ترمینولوژی حقوق مصادره به معنای «مطالبه ی مال، و در اصطلاح به معنای مطالبه و گرفتن مال به وسیله ی دولت از غیر طرق قانونی و یا طرق متعارف ذکر شده است. ( جعفری لنگرودی ، ذیل مصادره ، ۱۳۸۵ )

#### ۱-۲-۲-۲- مصادره در اصطلاح :

معنای اصطلاحی مصادره نیز کاملاً مرتبط با معنای لغوی آن است. در اصطلاح حقوقی، مصادره به تملیک مال به دولت و محرومیت دائمی مالک از تمام یا قسمتی از اموال خود بدون جبران خسارت اطلاق می شود. (مسلمی پطرودی، ۱۳۸۴، ص ۲۰ تا ۲۲)

برای مصادره تعریف‌های مختلفی ارائه شده است که چند مورد را نقل می‌کنیم:

الف) «منظور از مصادره این است که دولت از تمام یا قسمتی از اموال فردی (شخصی) سلب مالکیت کند و خود، آن اموال را در اختیار گیرد. (بهرامی احمدی، ۱۳۶۶، ص ۳۶۳)

این تعریف تا اندازه‌ای مفهوم مصادره را روشن می‌کند ، ولی شامل اصطلاح ملی کردن نیز نمی‌شود .

ب) «مصادره در اصطلاح زبان فارسی مطالبه و گرفتن مال به وسیله دولت از غیر طرق قانونی و یا طرق متعارف را گویند . (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۶ ، ۶۵۳)

ج) «مصادره این است که دولت مال دیگری را بدون پرداخت غرامت به اجبار بستاند»

د) موریس می‌گوید: «مصادره عبارت است از ضبط دائمی اموال و دارایی‌های خصوصی، بدون پرداخت غرامت». ( میرفخرایی ، ضبط اموال و دارایی‌های خصوصی توسط دولت از دیدگاه حقوق انگلیس ، ص ۱۹۶ )

دو تعریف اخیر با افزودن قید «بدون پرداخت غرامت» آن را از مفهوم ملی کردن متمایز می‌سازند. اما تعریف کاملی نیستند.



ه) بهتر است بگوییم مصادره عبارت است از تملک اموال خصوصی بدون پرداخت غرامت که اغلب به عنوان مجازات و محکومیت در قبال جرم و گناه به دلیل تصرف و استفاده غیر قانونی از مال، صورت می‌گیرد. مقررات لازم الاجرا، ضبط اموال را بدون پرداخت غرامت، جز در مورد اجرای صحیح نظم عمومی، منع می‌کنند».

در تعریف یاد شده، علاوه بر این که مصادره از ملی کردن تفکیک شده، ماهیت حقوقی آن نیز بیان شده است .

یکی از حقوقدانان درمورد مصادره به چند نکته اشاره کرده و چنین می‌نویسد:

۱- اخذ مال از متصرف آن ، خواه تصرف او به عنوان مالکیت باشد خواه نه ، خواه مال مذکور منقول باشد یا نه، از اعیان باشد یا نه .

۲- اخذ مال به توسط دولت : (دیوان) صورت گیرد . به همین رو آن را ضبط دیوان هم گفته اند. اگر اخذ ، غیردولت باشد عنوان مصادره ندارد . یا غصب است یا نه وامثال اینها .

۳- دستاویز اخذ آن مال ، وقوع تخلفی از متصرف آن مال باشد؛ خواه تخلف اداری باشد خواه جرمی از جرم ها ( مالی مانند اختلاس یا غیر مالی مانند اعمال نفوذ و سوء استفاده از قدرت )

۴- اخذ مال از متصرف، مسبوق به محاکمه و اعمال ادله ی شرعی مستند قضا و قاضی نباشد.

استرداد اموال منصوب از بنی امیه که علی (ع) در صدد آن بود و در نهج البلاغه به آن اشاره رفته است ؛ به یقین مستند به اعمال ادله ی شرعی ( مثلاً علم قاضی) بوده است، پس آن را مصداق مصادره نباید شمرد بوجه من الوجوه. اما پس از محاکمه و صدور حکم، دادن عنوان تعزیر ( به صورت جرمه مالی ) با رعایت اصول مقرر در شرع شاید خالی از اشکال باشد . (جعفری لنگرودی ، جلد ۵ ، ۳۳۷۵ )

### ۱-۲-۳- رابطه الفاظ ضبط و مصادره :

نظر به آنچه در معانی لغوی ضبط و مصادره آورده شد، به نظر می‌رسد در استعمال حقوقی دو واژه ضبط و مصادره گاهی مترادف هم به کار می‌روند لذا از نظر طبیعت لغوی ضبط، توقیف و نگهداری مال به ملایمت و توأم با امید به اعاده و برگرداندن به ید و محل و وضع و جایگاه قبلی است و مصادره، توقیف مال به قهر و جبر و برای همیشه مال با توجه به اینکه از دست مالک آن اخذ و نگهداشته شدن مطرح است ولی در واژه مصادره به معنی اخذ و ضبط دائم مال مفهوم اخذ مال از دست غیر مالک و ارجاع آن به ید اصلی و جایگاه حقیقی به معنی برگرداندن مال از دست دارنده غیر مستحق به ید مستحق مطرح است با توجه به مورد در معنی توقیف موقت موضوع (ضبط) و صف مجازات ندارد و لکن در معنی دوم یعنی توقیف همیشگی مال وصف جزائی (مصادره) ظاهر است.

ضبط ممکن است شامل جزئی یا قسمتی یا تمام اموال شخص باشد و در تعریف مصادره مال می‌توان گفت: مصادره مال عبارتست از اخذ و ضبط و تملک و تصرف مال کسی به طور دائم و با حق برداشت آن به نفع مالک اصلی (به قصد استرداد) و یا به نفع بیت المال و یا دولت (خزانه) که به موجب حکم مرجع قانونی (دادگاه) صورت می‌گیرد و می‌تواند شامل همه یا قسمتی از اموال موجود کسی باشد. نظر به مورد ملاحظه می‌شود که از دیدگاه حقوق جزا توقیف موقت مال (ضبط) وجه افتراقش با مصادره مال (مجازات بودن مصادره) است.

### ۱-۲-۴- تفاوت مصادره اموال با ملی کردن آن :

قصد انتقال مالکیت عامل مشترک بین ملی کردن و مصادره اموال می‌باشد هر دو نتیجه اعمال اقتدارات عمومی می‌باشند. هر چند دلیل<sup>۱</sup> انتقال مالکیت در هر دو یکی است. اما انگیزه‌ها<sup>۲</sup> متفاوت است.

<sup>۱</sup> . Cause.

<sup>۲</sup> . Mobiles.

در توقیف و مصادره اموال رفتار افراد است که مورد توجه می‌باشد و به دلیل اشتباهات و خطاها، مجازات تعیین می‌شود. البته مجازات باید متناسب با خطا و اشتباه باشد، و در اینجا اتخاذ تصمیم به مصادره با قوه قضاییه است و حال آن که تصمیم به ملی کردن با قوه مجریه یا با قوه مقننه می‌باشد. تذکر این نکته بجاست که بر اساس قانون اساسی سابق ایران، مجلس شورای ملی تصمیم به مصادره اموال می‌گرفت و یک نمونه از این تصمیم در مورد مصادره اموال قوام السلطنه توسط مجلس اتخاذ گردید. ( میرعباسی، ملی کردن در حقوق بین الملل، شماره ۲۸ )

#### ۱-۲-۲-۵- تفاوت مصادره اموال با جزای نقدی :

جزای نقدی عبارت است از : الزام مجرم به پرداخت مقداری وجه نقد در قبال رفتار مجرمانه وی . در این نوع اضرار مالی، نفس اموال موضوعیت ندارد.

اما مصادره عبارت است از : ضبط عین اموال مجرم . ظاهراً در مصادره، عین اموال موضوعیت دارد . و گویا اموال مزبور در زدودن آثار جرم نقش ویژه‌ای دارند .

#### ۱-۲-۳- مال :

#### ۱-۲-۳-۱- مال در لغت :

مال دراصل از فعل ماضی میل است بمعنی خواستن . در فارسی خواسته می‌گویند و برای آن معانی مختلفی ذکر شده است .

(۱) دارایی.

(۲) آنچه در ملک شخص باشد.

(۳) چهارپای بارکش مانند اسب، استر، الاغ و مانند آن.

تمکن، تمول، ثروت، خواسته، دارایی، مایملک، مکنت، ملک، نعمت، نوا، هستی.

۴) جنس، کالا، متاع.

۵) پول، وجه، سرمایه.

اموال جمع مال است و در لغت به معنی خواسته، املاک و اسباب، امتعه و کالا و ثروت و هر چیزی که در تملک کسی باشد، یا در تصرف و ید کسی باشد، گفته می‌شود. (دهخدا، سال ۱۳۷۷، جلد سوم، ۳۳۷۷)

هر آنچه در تصرف و ید کسی باشد. خواسته و ثروت و دولت و توانگری. زر و ملک. (ناظم الاطباء)

آنچه که در ملک کسی باشد. آنچه ارزش مبادله داشته باشد. خواسته. (معین، ۱۳۶۲)

#### ۱-۲-۳-۲- مال در اصطلاح :

مال، در حقوق به هر چه قابل تملک و مبادله باشد گفته می‌شود، در یک دید کلی هر چیزی که به وجه رایج کشور قابل تقویم باشد و ارزش اقتصادی داشته باشد مال می‌باشد، که در یک تقسیم بندی کلی به استناد مفاد مواد ۱۱ به بعد قانون مدنی اموال منقول<sup>۱</sup> و اموال غیر منقول<sup>۲</sup> تقسیم می‌گردد. تفاوت‌هایی در وضعیت حقوقی هر یک از این دو در قوانین ایران وجود دارد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۱)

در اصطلاح مال عبارت است از چیزی که ارزش اقتصادی داشته و قابل تقویم به پول باشد. بنابراین حقوق مالی مانند حق تحجیر و حق شفعه و حق صاحب علامت تجاری هم مال محسوب می‌شود. (دهخدا، ۲۱۶۹۶)

در اصطلاح حقوقی هر چیزی که انسان می‌تواند از آن استفاده کند و قابل تملک هم باشد، مال است. (کاتوزیان، ۱۳۸۸، ص ۴۸ و ۴۹)

<sup>۱</sup>- قابل جابجایی بدون آسیب دیدن.

<sup>۲</sup>- بارزترین وجه آن زمین و ساختمان است.

## ۱-۲-۳-۳- مالکیت در اسلام و دیدگاه‌های امام خمینی (ره) :

### الف) انواع مالکیت :

مالکیت در اسلام نه مطلقاً خصوصی و نه کاملاً عمومی است . برخی از اموال قابل تملک اشخاص می باشد و برخی دیگر یا ملک عموم و متعلق به همگان است و یا ملک شخصیت حقوقی امام معصوم می باشد و بر مبنای دیگر امام ولی امر آنها است .

شهید بزرگوار آیه الله سید محمد باقر صدر (ره) در یک تقسیم بندی کلی مالکیت را به مالکیت خصوصی ، عمومی و دولتی تقسیم می کند . در تعریف مالکیت خصوصی می گوید : « مقصود رابطه ای است بین فرد انسان با (مال) به طور اختصاصی که منع دیگران را از انتفاع ایجاب می کند یا به شکلی که مداخله دیگران جز در صورت ضرورت و به طور استثنایی در آن مال ، محدود باشد» .  
( صدر ، ۱۳۶۰ ، ۶۱ )

مالکیت در اسلام بر اصل طبیعی یا مقتضیات اجتماعی یا آزادی اراده مبتنی است و بیشتر انواع مالکیت ناشی از کار و فعالیت است ؛ مثلاً به موجب آیاتی از قرآن مجید ، زمین از آن خدا است بنابراین مالکیت نسبت به زمین وقتی تحقق می یابد که انسان آن را با کار و فعالیت خود آباد کند .

به موجب آیه ۳۵ از سوره مبارکه یس هر کس مالک نتیجه کار خویش است و بنابر آیه ۷۱ از سوره یس همه مخلوقات ، اعم از حیوان و نبات و جماد که مصنوع قدرت الهی اند قابل تملک برای آدمیان هستند . بشرط آنکه منافع شرعی بر آن مترتب بوده و از طرق شرعی حاصل آمده باشد.

به موجب حدیثی از پیامبر اکرم (ص) مسلمانان در سه چیز سهم مساوی وعام دارند و آن سه چیز عبارتند از : آب ، گیاهان خودرو و آتش . ( خزایی ، ۱۳۸۵ ، ۲۰۹ )

## ب) ملک و ملکیت در اصطلاح فقهاء :

ملکیت عبارت از اضافه و رابطه اعتباری مخصوصی است که بین مالک و مملوک وجود دارد .

حق عبارت از سلطنت ضعیفی است که برای صاحب حق نسبت به متعلق آن ثابت است و مرتبه شدید آن ملک است اما حق به معنی خاص عبارت است از اضافه ضعیفی که برای صاحب حق موجود است و مرتبه قویه آن ملکیت عین است و مرتبه متوسطه آن مالکیت منفعت است.

## ج) حق مالی و مالکیت در حقوق اسلام :

در دین مبین اسلام ، مال بر هر شیء عینی یا امر معنی که در نزد عقلا مورد اعتبار قرار گیرد و منشأ حقی از حقوق شود و مرغوب فیه باشد اطلاق می گردد و حتی چون از برخی معنویات در قرآن مجید صریحاً سلب مالکیت شده است ، می توان امکان حصول مالکیت را نسبت به معنویات غیر مسلوویه استفاده کرد . بنابراین ، مال به اشیائی که بوسیله یکی از حواس خمسه ادراک شود مخصوص نیست و حتی حقوقی را که امروزه مورد اعتبار عقلا واقع شده یا از این پس عقلا آنها را معتبر بدانند مال به حساب می آید . مثلاً حق سرقفلی و حق اختراع و حق تألیف و علائم تجاری و مانند اینها همه به موجب اصول کلی اسلامی جزء اموال است و محترم می باشد و دیگران باید این حقوق را برای صاحبانشان رعایت کنند . در عین حال حقوق معنوی که ارزش آن قابل تقویم نیست و بالاتر از آنست که عنوان مال بر آن اطلاق شود از قبیل شرافت و حیثیت نیز در اسلام شناخته شده و به حفظ عرض و آبرو توصیه های فراوان صادر گردیده و مسلمان به تدارک لطماتی که بر شأن و حیثیت اشخاص وارد می کند ملزم می باشد . حق ، رابطه ای است ثابت میان دو طرف که لازم آن سلطه و اختیار یک طرف است . بیشتر حقوق قابل اسقاط است و شایستگی انتقال را دارد . حقوق معنوی از قبیل حق ابوت و حق ولایت قابل اسقاط و قابل انتقال نیست و درحقیقت در این قبیل حقوق جنبه تکلیف بیش از جنبه تسلط حکمفرما است .

اعمال برخی از حقوق ممکن است به علتی متوقف شود، چنانکه حق رجوع مرد در طلاق خلع تا وقتی که زن، مال مبذول خود را مطالبه نکند، متوقف می‌گردد.

برخی از حقوق قابل اسقاط است، ولی قابل انتقال نمی‌باشد، چنانکه موقوف علیه یا دارنده حق انتفاع، نمی‌تواند حق خود را به دیگری واگذار کند، اما می‌تواند از حق خویش چشم‌پوشد.

بر حقوقی که قابلیت اسقاط یا شایستگی انتقال داشته باشد، عنوان ملک هم صادق است.

حقوق را به سه قسم می‌توان تقسیم کرد:

۱- حقوق عینی؛

۲- حقوق عینیت یافته؛

۳- حقوق دینی؛

در حقوق عینی، یک طرف شخص طبیعی یا شخص حقوقی است و در طرف دیگر شیئی است قابل حس، مانند حق مالکیت و حق انتفاع.

در حق عینی شیئی که موضوع حق است، تشخیص دارد فی‌المثل، کسی، مالک قطعه معینی از زمین است این حق باید بوسیله هم‌مردم رعایت شود.

در حق ارتفاق، به جای آنکه یکی از دو طرف، شخص باشد هر دو طرف ملک است، چنانکه فی‌المثل آبریز خانه‌ای ممکن است در خانه مجاور باشد.

حقوق عینیت یافته، حقوقی است که شخص بر آثار نفسانی خود دارد و تجلی آن همواره با بروز آثار نفسانی در خارج است از قبیل حق اختراع و علائم تجاری و حق تألیف و مانند اینها. حق سرقتی هم اثری است که از مدتی فعالیت ناشی شده است.

حقوق دینی یا حقوق ذمی، عبارتست از تعهد به انجام عمل یا تعهد به خودداری از کاری. بنابراین، موضوع حق دینی، آن تعهد است که امری محسوس نیست و تعهد دوطرف دارد، یکی شخص متعهد و دیگر شخص متعهد له و تنها این دوشخص در برابر هم مسئولند. از جانبی دیگر ما فی الذمه، امری کلی است و مشخص نمی باشد و تشخیص آن با تأدیه تحقق می یابد.

فقها، مالکیت را در اسلام به سه قسم منقسم ساخته اند:

یکی مالکیت عین.

دوم مالکیت منافع.

سوم مالکیت مالک شدن که از آن به عبارت «مُلک عَنِ الیَمْلَک» تعبیر می شود.

در بیع، مالکیت عین مال از فروشنده به خریدار منتقل می شود و در اجاره وقف، ملکیت منفعت، به مستأجر و موقوف علیه انتقال می یابد. حق خیار یکی از مصادیق «مُلک عَنِ الیَمْلَک» است و حق اخذ به شفعه را نیز می توان از مصادیق این حق به شمار آورد. (خزایلی، ۱۳۸۵، ۲۱۴)

حکم به مصادره اموال با همه مراتبی که در رابطه با پذیرش حق و اصل مالکیت و احترام به مالکیت و مال محترم در حقوق اسلام گفته شد معاوضه دارد لکن باید گفت که این تعارض جز به ظاهر و در بادی نظر وجود ندارد زیرا به موجب حقوق اسلامی و آنچه در تاریخ اسلام و در سیره آمده و نیز به موجب بعضی احکام کیفری و مدنی در حقوق جزای اسلامی آنجا که مصادره مال به عنوان مجازات و یا تقاص و یا اخذ صورت می گیرد جز در طریق تثبیت اصل مالکیت و احترام به مالکیت مشروع و اجرای احکام الهی و در رابطه با حفظ و حراست از حق مالکیت مشروع و اجرای احکام الهی و در رابطه با حفظ و حراست از حق مالکیت در اسلام نیست. قرآن کریم «سوره مبارکه نساء، آیه ۲۹» «یا ایُّهَا الَّذِینَ ءَامَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَیْنَکُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْکُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَکُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِکُمْ رَحِیمًا» در این آیه هر طریقی که موجب گردآوری ثروت نامشروع



(حرام) شود پیمودن آن منع شده است و حتی برای سود بردن از راه بازرگانی هم شرط اصلی رضایت بایع و مشتری قرار داده شده است . ( کاشانی ، ۱۳۵۳ ، ۲۹۵ )

### ۱-۳- تاریخچه مصادره :

#### ۱-۳-۱- مصادره در فقه اسلام :

بنابر آنچه از مطالعه تاریخی و تحلیل حقوق جزای اسلامی بدست می آید کیفر مصادره اموال از بدو ظهور اسلام و اجرای احکام آن وجود داشته النهایه عمل به آن از سوی خود حضرت ختمی مرتبت (ص) و امیرالمومنین علی (ع) یا صورت نگرفته و یا اگر صورت گرفته به ندرت و خیلی کم بوده است . مصادره اموال در حق کسانی که بر علیه رسول خدا و مسلمانان دست به توطئه زده و با آنان در نهان به محاربه برخواسته بودند به حکم رسول خدا اجرا گردید . در کتاب اللفقه علی المذاهب الاربعه آمده : نوعی مصادره اموال در فقه اسلامی به صورت اخذ مال در جرایم ذیل با زوال مالکیت مجرم وجود دارد :

(۱) جرم بغی.

(۲) جرم محاربه و درباره قِطَاع الطَّرِيق.

(۳) جرم ارتداد ، که بواسطه ارتداد یا الحاد ، مالکیت مرتد از اموالش زایل می شود .... يَزُولُ مَلِكُهُ عَنْ مَالِهِ بِنَفْسِ الرَّدِّ لِزَوَالِ الْعَصْمَةِ بَرْدَةٍ فِي مَالِهِ ، اُولَى ، يَزُولُ الْمَلِكُ الْمُرْتَدُ عَنْ اَمْوَالِهِ وَ اَزْ قَوْلِ ابُو حَنِيفَةَ مِيْ اَوْرَدَ : اَيْنَ مَاتَ اَوْ قَتَلَ عَلِيٌّ رَدَّتْهُ اَنْتَقَلَ مَا اَكْتَسَبَهُ فِي اِسْلَامِهِ اِلَى وِرْثَةِ الْمُسْلِمِيْنَ وَ كَانَ مَا اَكْتَسَبَهُ فِي مَالِ رَدَّتْهُ فَيُنْفِقُ لِجَاعَةِ الْمُسْلِمِيْنَ يَوْضِعُ فِي بَيْتِ الْمَالِ .

واز قول شافعی می آورد : ان ما اكسبه المرتد في اسلامه وما اكتسبه في حال رده يَكُونُ فَيُنْفِقُ لَانَهُ مَاتَ كَافِرًا .

(۱) جرم افساد في الارض .

۲) جرم ساحری و جادوگری .

۳) جرم ربا ، که عبارت از اخذ مال است از دیگری بلاعوض و برخلاف رضای قلبی او و ظلم است و حرام است و در واقع استیلاء به مال غیر است از طریق نامشروع . (جزیری ، ۱۳۹۲ ، ۴۲۲ )

در کتاب اسلام در ایران در رابطه با مصادره اموال به عنوان اعدام مدنی می نویسد : ... در رده و برگشتن از دین که ارتداد نامیده می شود به موجب فقه اسلامی و با توجه به اینکه از حقوق الله است. اکثر فقهاء آن را در گروه جرائمی که مشمول مجازات حدود می شود آورده اند و مجازات مرتد اینست که ، نه تنها از عضویت جامعه اسلامی خارج می گردد و اموالش به نفع دولت «بیت المال» مصادره و در صورت بودن وارث بین آنان تقسیم می شود .

همین طور است مجازات ساحر و عاصی و نافرمان و باغی و مفسد یعنی کسانی که بدون روی گرداندن از اسلام ، احکام شریعت را اجرا نکنند و در صورتی که به موقع توبه نکنند مستحق سیاست اعدام هستند و اموالشان نیز مصادره می گردد .

ابوحنیفه ، عاصیان و باغیان علیه قدرت خلیفه را از جمله مرتدین از اسلام می شمرد ؛ لذا آنان را از حق تدفین مطابق مراسم مسلمانان محروم کرد . (پطروشفسکی ، ۱۳۵۴ ، ۱۸۲)

در تاریخ تمدن اسلام در همین رابطه و تحت عنوان توجیه شرعی مصادره اموال می نویسد : « ... در دوران عباسی ، راهزنان ، کاروانها را می زدند و می بردند و می گفتند که چون بازرگانان زکات نمی دهند مالشان بر ما حلال است ، زیرا زکات صدقه ای است که باید دولت مردان به فقیران بدهند و چون نمی دهند بزور از آنان می ستانیم . موضوع زکات در اسلام مهم بوده ولی در اواسط حکومت عباسیان به آن توجه نشد و لذا بهانه ای برای راهزنی دزدان به دست آمد . » ( تاریخ تمدن اسلام ترجمه علی جواهر کلام ، ۱۳۷۸ ، ۲۵۶ )

بعضی عقیده دارند که مصادره اصولاً ، در شرع اسلام سابقه ندارد : « مصادره به معنی ، تاوان ، مطالبه مالی به زور ، جریمه ، ضبط اموال آمده ، مصادره در دین مبین اسلام سابقه ندارد . و شرع مقدس چنین تجویزی ننموده ، ابتدا خلیفه دوم به چنین کاری دست زد و اموال والیان خود را در

کوفه و بصره و بحرین ضبط کرد و آن را مقایسه و مشاطره می گفتند و بعد از آن در زمان بنی امیه عاملی که بر کنار می شد دارائی او را حساب می کردند و آنچه می توانستند از او می گرفتند ، لکن امیرالمومنین (ع) با آنکه طلحه و زبیر بسیار مال جمع نموده بودند چنین عملی نفرمود . ( سیاح ، ۱۳۶۹ ، ۱۵۴ )

و برخی برعکس معتقدند : « به موجب احکام اسلام ، آنهاییکه ثروت جمع کرده اند ، درمقابل اینکه ثروت اندوخته اند ، احتکار ثروت کرده اند ، حبس کرده اند ، حقوق الهی را باید بدهند . خمس یکی از حقوق مسلم قانون اسلام است باید محاسبه شود و از آنهایی که ثروت از ملت جمع کرده اند اخذ شود . این ثروتها یا از راه مشروع به دست آمده یا غیر مشروع ، اگر از راه غیرمشروع بدست آمده باشد باید ( مصادره ) بشود .

بعضی می گویند در اسلام مصادره نداریم ! مصادره یعنی چی ؟ مصادره یعنی مال غیرمشروع را که از راه غیر مشروع به دست آمده است ، گرفته شود و اگر صاحبان اصلی آنها معلوم باشد به آنها داده شود و اگر صاحبان اصلی آنها معلوم نیست برای بهبودی وضع زندگی نیازمندان و مستضعفین به بیت المال برگردانده شود و صرف طبقات محروم و مستضعف گردد . ( مقدسی شیرازی ، ۱۳۶۴ ، ۱۵۰۲ )

در مجموع آنچه که باید در نظر داشت مصادره هم شامل مال منقول است و هم شامل مال غیرمنقول و در عین اموالی مجری است که متعلق به شخص محکوم علیه است ، فقها و اندیشمندان در خصوص مصادره به طوری که از فصول تاریخی بعد از اسلام استنباط می شود بیشتر نظر به توجیه آن از جهت مالی داشته اند و از نظر مصادره و استملاک خواسته اند موضوع را بررسی کنند و به جرأت می توان ادعا کرد که از دیدگاه قوانین شرعی بجز آنچه در باب غصب آمده موضوع مصادره از جنبه قانونی مورد بحث واقع نشده ، البته شاید بتوان علت چنین اندیشه و اقدامی را با توجه به فصول تاریخی درباره زورگویان دریافت .

## ۱-۳-۲- تاریخچه مصادره اموال در جمهوری اسلامی :

جریان مصادره اموال پس از پیروزی انقلاب اسلامی ظاهراً به فرمان تاریخی امام خمینی (ره) مبنی بر مصادره اموال سلسله پهلوی باز می‌گردد؛ متن این فرمان چنین است .

« بسمه تعالی ، شورای انقلاب اسلامی به موجب این حکم مأموریت دارد که تمام اموال منقول و غیر منقول سلسله پهلوی و شاخه‌ها و عمال و مربوطین به این سلسله را که در طول مدت سلسله غیر قانونی ، از بیت المال مسلمین اختلاس نموده‌اند ، به نفع مستمندان و کارگران و کارمندان ضعیف مصادره و منقولات آن در بانک‌ها به شماره‌ای به اسم شورای انقلاب یا اسم اینجانب سپرده شود و غیر منقول از قبیل مستغلات و اراضی ، ثبت و مضبوط شود تا به نفع مستمندان از هر طبقه صرف گردد ... و به دولت ابلاغ شود که این غنایم مربوط به دولت نیست و امورش با شورای انقلاب است » .

به جز فرمان فوق که ناظر به یک قضیه خارجی بوده و از اطمینان و یقین ایشان به نامشروع بودن کلیه اموال سلسله پهلوی ناشی می‌گردد ، ظاهراً حکم دیگری از ایشان راجع به مصادره اموال وجود ندارد . بله ، معظم له ضمن هشدار نسبت به غیر شرعی بودن مصادره اموال مشروع ( صحیفه امام (ره) ، ج ۱۳ ، ص ۴۳۶ و ج ۱۳ ، ص ۵۱۲ ) ، همواره از اصل موضوع دفاع و پشتیبانی قاطع کرده‌اند . ( صحیفه امام (ره) ، ج ۷ ، ص ۲۷۳ و ج ۱۰ ص ۴۹۳ )

اما روند مصادره اموال به همین جا ختم نگردید . جدا از اقدامات خودسرانه اشخاص و برخی از نهادهای انقلابی که با اعتراض شدید حضرت امام (ره) مواجه شدند . ( صحیفه امام (ره) ، ج ۱۳ ، ص ۴۳۶ )

دادگاه‌های انقلاب نیز مرتب به مصادره اموال دیگران حکم می‌دادند . هم گذشته از احکام قضایی ، به موجب برخی از قوانین نیز اموال گروهی از سرمایه داران مصادره گردید ؛ مثلاً طی مصوبه‌ای ۵۱ نفر مشمول بند « ب » قانون حفاظت و توسعه صنایع<sup>۱</sup> قرار گرفتند . مطابق این قانون ، صنایع موجود بر حسب شرایط به چهار دسته تقسیم می‌گردد و درباره هر گروه به نحو خاص عمل می‌شود و بر

<sup>۱</sup> - مصوب ۱۰ تیرماه ۱۳۵۸ .

حسب بند « ب » سهام صنایع و معادن بزرگی که صاحبان آن از طریق روابط غیر قانونی با رژیم گذشته استفاده نامشروع از امکانات و تزییع حقوق عمومی به ثروت‌های کلان دست یافته‌اند و برخی از آنها از کشور متواری هستند ... سهام این گونه اشخاص به تملک دولت در می‌آید .  
(روزنامه رسمی، ش ۱۰۰۳۱، ۱۳۵۸/۵/۹)

## فصل دوم

# ماهیت ، انواع و اهداف مصادره

## ۲-۱- انواع ضبط :

### ۲-۱-۱- ضبط موقت یا بازداشت موقت اموال :

هنگامیکه مأمورین ذیصلاح کشف جرم و یا بازپرس و یا داستان و یا در مرحله تحقیق دادگاه کیفری ( زمانی که دادگاه کیفری رأساً به جرم رسیدگی می نماید ) اشیاء و اموال را ضبط می نمایند که براساس دستور یا قرار خاص این نوع ضبط تا رسیدگی به موضوع در دادگاه کیفری و صدور حکم ادامه می یابد و چه بسا در این فاصله از سوی بازپرس یا داستان یا دادگاه و حتی مواردی از سوی خود مأمورین کشف جرم اشیاء و اموال ضبط شده به صاحب آن مسترد گردد و توقیف مال پایان یابد .

### ۲-۱-۱-۲- موارد ضبط موقت اموال :

ضبط موقت اموال به جهات و علل زیر صورت می گیرد :

**الف) به عنوان دلیل :** گاهی اشیاء و اموال از این جهت که برای اثبات اتهام متهم در مرحله تحقیق و یا محاکمه کیفری مورد استفاده قرار گیرند صورت می گیرد که پس از رفع احتیاج به صاحب آن مسترد می گردد .

**ب) به منظور مسترد کردن :** گاهی اشیاء و اموال از این جهت که از جرم حاصل شده و کشف و یا از متهم به دست آمده و بایستی به صاحبان آن مسترد گردد ضبط می شوند ، که در این موارد با مراجعه

و تقاضای مالک یا ذینفع در جریان تحقیق و یا محاکمه از سوی بازپرس یا دادستان و یا دادگاه از مال رفع توقیف شده و به صاحب آن مسترد می گردد .

**ج) به منظور پیشگیری از خطر :** گاهی اشیاء و اموال به جهت پیشگیری از وقوع جرم و خطر جانی و مالی برای افراد و یا ورود ضرر به جامعه و به جهت خطرناک و مضر بودن ضبط می شود ، که در این موارد ممکن است پس از رفع حالت و یا وضع خطرناک و احتمال رفع ضرر از اشیاء و اموال رفع توقیف و به صاحبان آن مسترد شوند و یا اینکه به جهت بقای وصف خطرناک و مضر بودن ، توقیف آنها ادامه یابد تا دادگاه حکم به ضبط دائم آنها بدهد .

**د) به منظور معدوم کردن :** گاهی اشیاء و اموال از این جهت که بایستی به حکم قانون معدوم شوند و یا به احتمال شمول حکم قانون برای معدوم کردن آنها ضبط می شوند که در این موارد ضبط مال ادامه پیدا می کند تا دادگاه تکلیف آن را از این جهت که معدوم و یا ضبط شود تعیین نماید .

**ه) به منظور احقاق حقوق عمومی :** گاهی اشیاء و اموال از این جهت که متعلق به بیت المال یا حقوق عمومی یا منافع دولت می باشند ضبط می گردند . که در این مورد نیز ضبط ادامه پیدا می کند تا اینکه دادگاه کیفری نسبت به آن تعیین تکلیف نماید .

**ی) به منظور تأمین حقوق زیان دیده از جرم :** گاهی اشیاء و اموال از این جهت که حق زیان دیده از جرم ضایع نشود و برای رفع ضرر از وی ضبط می گردند که در این مورد نیز ضبط موقت خواهد بود تا زمانیکه دادگاه از جهت تقاص یا رفع ظلم و یا پرداخت حق زیان دیده از جرم حکم صادر و نسبت به آن یا مابقی آن پس از پرداخت حقوق زیان دیده از جرم به جهت استرداد به صاحب آن (متهم یا محکوم علیه) اتخاذ تصمیم نماید .

به طوری که ملاحظه می شود و از موارد مذکور بر می آید ، اصولاً و اغلب ضبط مال که در مرحله تحقیق و کشف جرم و گاهی محاکمه متهم صورت می گیرد از موارد ضبط موقت اموال است که در اکثر موارد نیز به استرداد می انجامد و تا قبل از محاکمه متهم و یا در جریان محاکمه و صدور حکم از سوی دادگاه منجر به استرداد مال به صاحب آن و بندرت منجر به صدور حکم به



ضبط دائم و یا معدوم کردن مال ضبط شده می گردد ، ضمن اینکه اغلب ضبط موقت اموال در رابطه با جزء یا بعضی یا بخشی از اموال اشخاص ( متهم ) صورت می گیرد ، در هر حال باید در نظر داشت که گاهی استثنائاً و بندرت پیش می آید که در مرحله تحقیق و یا از سوی ضابطین عدلیه اموال متهم به طور موقت توقیف می گردد که در این مورد نیز پس از رسیدگی به اتهام متهم از سوی دادگاه کیفری فقط آن قسمت از اموال متهم که در اثر ارتکاب جرم حاصل گردیده ممکن است ضبط شود و مابقی آن بایستی به صاحب مال مسترد گردد . بنا به قاعده ، اصل بر احترام به مالکیت مشروع و رد مال به صاحب آن است تا زمانیکه خلاف آن ثابت شود ، علاوه بر آن غالباً در این نوع ضبط مال ، تقاضای مجنی علیه نیز در کار است .

## ۲-۱-۲- ضبط دائم یا مصادره اموال :

موارد مصادره اموال به صورت دائم را بشرح ذیل می توان احصاء کرد :

الف) بمنظور پیشگیری از وقوع جرم و یا رفع خطر یا جلوگیری از ورود ضرر به افراد و جامعه :

گاهی دادگاه حکم به مصادره و اشیاء و اموال خطرناک و مضر صادر می کند.

ب) به منظور استرداد حقوق زیان دیدگان از جرم و یا رفع ظلم از ستم دیدگان : گاهی دادگاه حکم به مصادره آن قسمت از اموال مجرم که در اثر ارتکاب اعمال خیانت آمیز و خلاف شرع و خلاف قانون که با حيله از تاوان آن گریخته و یا اموالی که بواسطه ارتکاب جرم به دست آورده و آن قسمت از اموالی که به صورت نامشروع گردآورده صادر می کند .

ج) به منظور اعاده اموال به غارت برده شده از بیت المال عمومی از سوی مجرم و یا اموالی که خائنانه از بیت المال به چنگ آورده : گاهی دادگاه حکم به مصادره اموال به غارت برده شده یا فراهم آمده ( سوء استفاده ) از بیت المال می دهد .

د) به منظور مجازات جرم که در اثر ارتکاب جرم به دست آمده : دادگاه حکم به ضبط دائم اموال او صادر می نماید ، که در این صورت مصادره اموال حکم مجازات دارد و به عنوان مجازات اصلی و یا احیاناً مجازات تکمیلی ممکن است درباره مجرم اعمال گردد .

بطوری که ملاحظه شد اهداف ضبط دائم اموال یا (مصادره) از اهداف ضبط موقت اموال چندان دور نیست و جز در مواردی که ضبط دائم اموال به منظور مجازات مجرم صورت می گیرد در مابقی موارد مقصود از ضبط موقت و دائم مال با همدیگر منطبق است .

لازم به ذکر است که مصادره اموال به هر عنوان و به هر منظور که صورت گیرد ، اولاً، بایستی وفق حکم خاص صادره از سوی دادگاه کیفری و به موجب نص قانونی باشد . ثانیاً، مصادره اموال (ضبط دائم اموال) فقط شامل آن قسمت از اموال مجرم می شود که از طریق ارتکاب جرم یا به طور نامشروع و یا به خیانت به میهن و به ستم به دست آورده و هرگز شامل همه اموال مجرم نمی گردد مگر اینکه در اثر رسیدگی و محاکمه قانونی ثابت گردد که همه اموال مجرم حاصل و فراهم آمده از جرم و به طور نامشروع است .

اما استثنائی که به شرط وارد است ، آن گونه از مصادره اموال در موارد و اوضاع و احوال خاص مثل انقلاب ، و درباره اشخاص خاص می باشد که به موجب ( فرمان یا حکم مقام صلاحیتدار ) و یا به حکم مجلس و از سوی آنها و به واسطه قوه مجریه و به مناسبت حسب مقرر در فرمان یا حکم از سوی قوه مجریه و یا قضائیه به مرحله اجراء در می آید که در مباحث آتی به آنها پرداخته خواهد شد.

## ۲-۱-۳- تفاوت ضبط موقت و دائم اموال :

وجه افتراق توقیف موقت اموال (ضبط اموال) از سوی دادستان یا بازپرس در مرحله تحقیق جزائی با حکم به ضبط به معنی (مصادره اموال) به طور دائم که از سوی دادگاه صادر می شود در این است که ، اولاً ممکن است توقیف موقت اموال (ضبط اموال) که به تشخیص دادستان یا بازپرس

به عمل آمده از سوی دادگاه تجویز نشود و حکم به استرداد اموال به صاحبانش و فک ضبط صادر گردد و در ثانی در مورد ضبط موقت اموال از سوی دادستان و بازپرس، مالکیت صاحب مال سلب نمی گردد و بلکه تا زمانیکه حکم به ضبط از سوی دادگاه تأیید و مال به نفع دولت یا مؤسسه اشخاص از جهت انتقال مالکیت تجویز نگردد مالک از تمام مزایای حق مالکیت خود نسبت به مالش بهره مند خواهد بود. دیگر اینکه فرق ضبط موقت اموال و مصادره اموال از این جهت است که در مورد اول ضبط مال حتماً ملازمت با نفی مالکیت صاحب آن ندارد و حق مالکیت مالک از او سلب نمی گردد، در حالیکه در حالت دوم (مصادره مال) مالکیت مالک با صدور حکم از سوی دادگاه و قطعیت آن از او سلب می شود و جز در موارد استرداد خاص، اموال به دولت منتقل می گردد.

«بنابراین حکم ضبط صادره از دادگاه دارای آثار انتقالی است و نه وضعی و نتیجه آنکه مالکیت از تاریخ قطعیت رأی دادگاه منتقل می شود و تا قبل از آن تاریخ تمام آثار حقوقی مترتبه به حال خود باقی است». (اخوی، شماره ۳۴، ۱۲۱۶)

## ۲-۲- ماهیت مصادره :

### ۲-۲-۱- بررسی مصادره تحت عنوان حقوقی و جزایی :

در سیستم‌های حقوقی عرفی، مصادره غالباً یک نوع مجازات است، خواه مجازات اصلی و یا مجازات تکمیلی. اما مصادره‌هایی که به فرمان امام خمینی (ره) صورت گرفته و معظم له از آن دفاع کرده‌اند، ماهیت حقوقی دارد. در هیچ یک از بیانات یا بیانه‌های ایشان تا آن جا که استقراء نشان می‌دهد، از مصادره به عنوان کیفر و جزا نام برده نشده است.

به نظر ایشان حقیقت مصادره‌های انجام شده، استرداد اموال عمومی به بیت المال، یا تقاص و مانند آن است.

البته این سخن بدان معنا نیست که در فقه اسلامی مصادره به عنوان کیفر، قطعاً نامشروع و در قوانین جمهوری اسلامی ایران بی سابقه است، زیرا، مصادره اموال یاغیان و مرتدی که ورثه مسلمان ندارد. (نجفی، ۱۳۹۸ ق، ص ۱۷)

همچنین مصادره نیمی از اموال ممتنع از پرداخت زکات و اموال محتکر، در منابع حدیثی اهل سنت نقل شده است. (ابن حزم، المحلی، ج ۹، ص ۶۵)

و در قوانین جمهوری اسلامی نیز، مصادره گاهی جنبه جزایی دارد<sup>۱</sup>، به هر روی، مصادره به عنوان کیفر گرچه وجه غالب سیستم‌های حقوقی عرفی است، در فقه امامیه بی چون و چرا پذیرفته نشده و از سوی کسانی مورد تردید و انکار قرار گرفته است. (بهرامی احمدی، ۱۳۷۰، ۳۶۶)

بدون شک، مصادره با عنوان حقوقی، از نظر امام خمینی (ره) بی اشکال است و چنان که گفتیم این موضوع در سخنان امام خمینی (ره) همواره با ماهیت حقوقی به کار رفته است.

دولت‌ها اموال خصوصی را تحت عناوین مختلف ضبط و توقیف می‌نمایند. این عمل گاه موقت و گاهی دائمی است، زمانی با پرداخت غرامت و زمانی دیگر بدون پرداخت غرامت است، گاهی ماهیت حقوقی و گاهی دیگر جنبه کیفری دارد و بالاخره زمانی عین اموال و زمانی دیگر قیمت و ارزش آن‌ها مورد نظر است. باز داشت موقت اموال، اقسام ضمان و مسئولیت مدنی، دیه، تعزیرات مالی، کفارات مالی، تملک و تصاحب املاک خصوصی برای استفاده عموم، ملی کردن اموال در نهایت مصادره از جمله مصادیق توقیف به معنای اعم است.

حال آیا فرمان امام خمینی (ره) بر مصادره اموال پهلوی و عمال و مربوطین به وی و آن چه که اصولاً ایشان در بیانات و بیانیه‌های خود بر آن پای می‌فشردند، مشمول تعریف‌های یاد شده از مصادره، می‌شود یا نه؟ پاسخ منفی است، زیرا مصادره از دیدگاه امام خمینی (ره) سلب مالکیت خصوصی و تصرف در اموال مشروع نبوده، بلکه استرداد اموال عمومی به یغما رفته و تقاص به خاطر بدهی‌های سنگین عده‌ای از فراریان به بیت المال و عناوین دیگری از این قبیل بوده است؛ به

<sup>۱</sup> - مانند ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰.

بیان دیگر ، سلب حق مالکیت ، سلب به انتفای موضوع بوده است ، به عنوان نمونه ، چند مورد از سخنان امام خمینی (ره) نقل می‌شود :

« قضیه مصادره اموال هم که این مسئله‌ای است که به نظر من مگر در یک استثناهایی است که معلوم است که همه اموالش از سرقت و دزدی بوده و از خیانت و چپاول و امثال ذلک بوده ، والا اگر کسی فرض کنید ساواکی بوده یا کسی فرض کنید وکیل مجلس بوده ، محتمل است که خودش مال داشته است ، این را نباید مصادره کرد» . ( صحیفه امام ، ج ۷ ، ۲۷۳ )

« اصلاً مال مردم را ، مال ملت را برداشتند ، غارت کردند و رفتند ، این‌هایی که از زمین‌هایشان و نمی‌دانم چه شان مصادره شده ، بیش‌تر از این را بدهکار هستند . ( صحیفه امام ، ج ۱۳ ، ۳۸۸ )

البته همچنان که در سیستم‌های مختلف حقوقی حتی در سیستم‌های طرفدار بازار آزاد و اقتصاد باز ، گاه مصادره را به منظور حفظ مصالحی از قبیل نظم عمومی مشروع و قانونی قلمداد می‌کنند ، امام خمینی (ره) نیز گاه مصادره اموال مشروع را جایز می‌دانند . ( صحیفه امام ، ج ۱۰ ، ۴۸۱ )

پس می‌توان گفت : مصادره در سیره امام خمینی (ره) ، استرداد اموال نامشروع و بازگرداندن آن‌ها به صاحبان اصلی ( اعم از اشخاص خصوصی و عمومی ) و یا تملک اموال خصوصی به دلیل بدهکار بودن و امتناع از ادای دین ( تقاص ) می‌باشد . گرچه از جنبه نظری به نوع دیگری از آن که عبارت از تملک اموال مشروع به اقتضای مصلحت نظام می‌باشد نیز ، معتقد بوده‌اند .

در حقوق اسلام اخذ و مصادره مال هم از باب استرداد و هم از جهت مجازات و به عنوان مجازات مالی به نوعی وجود دارد که همواره به صورت مصادره خاص و در قسمتی از اموال مجرم اعمال می‌گردد و حتی از جهتی ، مبنای حقوقی صرف ندارد ولو اینکه به صورت قهری ممکن است صورت گیرد لکن جنبه جزائی و صورت و ماهیت جزائی ممکن است نداشته باشد .

در اغلب کتب فقهی باب مخصوصی به عنوان ( تقاص ) وجود دارد که در رابطه با اموال صورت می‌گیرد ( تقاص ) در اموال که مانند قصاص در نفس صورت می‌گیرد در واقع عمل به مثل است در اموال ، نهایتاً در قصاص نفس و عضو اغلب عقیده به اذن حاکم و ولی امر از جهت اجرا دارند ، در حالیکه در تقاص اغلب فقهاء اجرای آن را از سوی خود شخص راساً با شرایط شرعی جایز می‌دانند .

و لازمۀ تقاص در اموال بدواً اخذ یا ضبط مال می باشد . امروزه تقاص در اموال در زمره الزامات مدنی است که اجرای قهری آن وجهی از مصادره مال است در جزائیات .

## ۲-۲-۲- ماهیت مصادره اموال از دیدگاه امام خمینی (ره) :

چنان که به اختصار گفته شد ، مصادره به عناوین گوناگون قابل بحث و بررسی است ؛ مثلاً مصادره به عنوان مجازات ، مانند مصادره اموال محکوم ، مصادره اموال ممتنع از پرداخت زکات ، مصادره اموال مرتد فطری و نیز به عنوان عدم مالکیت حکمی ، مانند مصادره ادوات حرام و مصادره ابزار و آلات جرم در منابع و متون فقهی طرح شده است . اما از آن جا که نگاه این تحقیق به مبانی فقهی مصادره‌های مورد نظر امام خمینی (ره) است از طرح موارد فوق خودداری می‌کنیم . واقعیت این است که در یک دسته بندی کلی مصادره در اندیشه و سیره حضرت امام خمینی (ره) با سه عنوان (استرداد)، (تقاص) و (سلب مالکیت) به عنوان حکم حکومتی باز می‌گردد :

۱) **مصادره به عنوان استرداد :** حقیقت مصادره اموال در بیانات و بیانیه‌های حضرت امام قدس سره غالباً به استرداد اموال باز می‌گردد و استرداد به معنی بازگرداندن مالی به محل واقعی خود ، بی‌تردید مشروع است .

دسته‌ای از اموال ، قابل تملک خصوصی نبوده و جنبه عمومی دارد . بسیاری از اموال به غارت رفته که حضرت امام قدس سره از مصادره آن‌ها دفاع می‌کردند از این قبیل است . به شواهد زیر توجه کنید :

« این املاکی که گفته شدند که مصادره می‌شوند و دولت چه می‌کند املاک مردم نیست ، عبارت از زمین‌های موتی که دولت سابق بدون این که مالک باشد فروخته است یا اشخاص بدون این که مالک شده باشند فروخته‌اند . نه این که یک کسی خودش زمینی را احیا کرده و بروند از او بگیرند .»  
( صحیفه امام (ره) ، ج ۸ ، ص ۷ )

درجای دیگر حضرت امام خمینی (ره) به مصادره اموالی که از راه چپاول و خیانت به بیت المال تحصیل شده‌اند اشاره می‌کند و می‌فرماید :

« قضیه مصادره اموال هم که این مسئله‌ای است که به نظر من مگر در یک استثناهایی که معلوم است که همه اموالش از سرقت و دزدی بوده و از خیانت و چپاول و امثال ذلک بوده و الا اگر کسی فرض کنید ساواکی بوده یا کسی وکیل مجلس بوده ، محتمل است که خودش مال داشته است ، این را نباید مصادره کرد ... » . ( صحیفه امام (ره) ، ج ۷ ، ص ۲۷۳ )

امام خمینی (ره) همچنین در موارد دیگر به لزوم بازگشت اموال عمومی که توسط طاغوتیان غصب گردیده به بیت المال ، تأکید ورزیده‌اند . ( صحیفه امام (ره) ، ج ۱۲ ، ص ۲۰۶ و ج ۱۰ ، ص ۴۹۳ )  
حکم تاریخی ایشان به مصادره ، اموال سلسله پهلوی نیز ناشی از علم خارجی معظم له به نامشروع بودن اموال آنان بوده است .

**۲) مصادره به عنوان تقاص :** گاهی مقصود از مصادره اموال در کلمات امام خمینی (ره) تقاص است . تقاص که عبارت است از تملک اموال مدیون در صورتی که وی از ادای دین امتناع ورزد یا احیاناً ورشکست شود و اتفاقاً مالی نزد طلب کار داشته باشد ، از عناوین شناخته شده فقهی است که در ابواب قرض ، رهن و قضا بحث و بررسی شده است . ( نجفی ، ۱۳۹۸ ق ، ۳۴۲ )

شکی نیست که خاندان پهلوی و بسیاری از سرمایه داران فراری از کشور ، بدهی‌های سنگینی به خزانه عمومی دولت داشته‌اند که اموال به جای مانده از آنان ، جواب‌گویی آن همه دین نمی‌باشد . یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی هنگام بررسی لایحه نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌گوید :

« اولاً عرض بکنم که حدوداً ۵۶۰۰ شرکت و کارخانه مصادره شده ، آن وقت چه جایش مانده؟ البته نمی‌گویم که آن‌هایی که مصادره شده به نفع ملت شد ، نه ؛ یعنی این ثروتی است که به جیب ملت وارد شده پول‌هایش را آن‌ها خورده بودند ؛ به عنوان مثال ، بزرگ‌ترین شرکت و ثروتی که مصادره شد ، «هژبر یزدانی» بود سه میلیارد تومان جمعاً بدهی به بانک‌ها داشته و هفتصد میلیون تومان دارایی ندارد ؛ یعنی شما دل گرم می‌شوید که هژبر یزدانی را ما به اصطلاح پوستش را کنسیم و

ملت صاحب نوایی شد، نه، این دزدها خوردند و رفتند...». ( مذاکرات جلسه علنی مجلس شورای اسلام، جلسه ۴۸۳، روزنامه رسمی، شماره ۱۱۱۸۹ )

به هر صورت برخی از موضع‌گیری‌های حضرت امام (ره) در خصوص مصادره به تقاص باز می‌گردد؛ به عنوان شاهد چند مورد ذکر می‌گردد:

« اصلاً مال مردم را، مال ملت را برداشتند، غارت کردند و رفتند، این‌هایی که از زمین‌هایشان و نمی‌دانم چه شان مصادره شده، بیش‌تر از این را بده‌کار هستند اینجا ». ( صحیفه امام (ره)، ج ۱۳، ص ۳۸۸ )

رئیس کل بانک مرکزی در نامه‌ای به حضرت امام (ره) می‌نویسد:

« عده‌ای از طاغوتیان و فراریان رژیم گذشته که اموالشان اینک در اختیار بنیاد مستضعفان و سایر نهادهای انقلابی می‌باشد، به شبکه بانکی کشور مقروض می‌باشند. تقاضا می‌شود دستور فرمایید: شبکه بانکی کشور بتواند مطالبات خود را از محل این دارایی‌ها که اینک در اختیار نهادهای فوق‌الذکر می‌باشد، تأمین و اخذ نماید ».

حضرت امام در پاسخ با این درخواست موافقت می‌نمایند. ( صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۳۷۶ )

**۳) مصادره به عنوان حکم حکومتی:** در کلمات امام خمینی (ره) به نوع دیگری از مصادره برمی‌خوریم که می‌توان از آن به مصادره‌ای تحت عنوان ضرورت و مصلحت یاد کرد. در مورد اول حضرت امام طی سخنانی می‌فرمایند:

«ما فرض می‌کنیم که حضرت امیر علیه‌السلام امروز در ایران بود و رئیس دولت بود و ملاحظه می‌کرد که یک جمعیتی، صدام و آن‌هایی که با او موافقاند، یعنی همه دولت‌های دنیا به استثنای بعضی، این هجوم کرده است به ایران و خرابی کرده است و نفوس مردم را تلف کرده است و آواره کرده است و غارت کرده است و خرابی. حضرت ببیند که الان اسلام و ملت اسلام و نفوس ملت اسلام در خطر این است که این یاجوج و ماجوج بریزد به ایران و همان کاری را که در اهواز کرد و خرمشهر کرد در تهران بکند و در مشهد بکند و در اصفهان. اگر حضرت احساس این معنا را می‌کرد چه می‌کرد؟ می‌نشست موعظه می‌کرد؟ می‌گفت که خودم تنها درست می‌کنم؟ پول نداشت،



کافی نبود، مالیات تنها کافی نبود چه بکند؟ حضرت آن وقت حکم می‌کرد به این که مردم به حسب توانشان، مستضعفین، طایفه کم درآمد، این‌ها کنار... امیر المؤمنین با این کشوری که در معرض خطر است چه می‌کرد؟ همه افراد را می‌فرستاد جنگ با فشار، اموال اشخاصی که ثروتمند بود و این‌ها را می‌گرفت و می‌فرستاد و اگر نمی‌رسید عباي خودش را می‌داد، عباي من را هم می‌داد، کلاه شما را هم می‌داد برای حفظ کشور اسلام، برای حفظ نوامیس خود این مردم». (صحیفه امام (ره)، ج ۱۷، ص ۲۷۴)

سخنان بالا به حکم مصادره در شرایط خاص که از آن می‌توان به دوران ضرورت واضطرار نام برد، ناظر است. بله، در صورت بروز چنان رخدادهایی مصادره اموال مشروع به عنوان حکم ثانوی جایز است، هم چنان که اکل میته به عنوان ثانوی مباح می‌شود. اما حضرت امام (ره) به این حد بسنده نکرده و تملک اموال مشروع (مصادره) را صرفاً به دلیل مصلحت - و نه ضرورت - از شئون و اختیارات ولی فقیه قلمداد نمودند:

« ما اگر فرض بکنیم که یک کسی اموالی هم دارد، خوب اموالش هم مشروع است، لکن اموال طوری است که حاکم شرع، فقیه، ولی امر تشخیص داد که این به این قدر که هست نباید این قدر باشد، برای مصالح مسلمین می‌تواند غصب کند و تصرف کند و یکی از چیزهایی که مترتب بر ولایت فقیه است و مع الاسف این روشنفکرهای ما نمی‌فهمند که ولایت فقیه یعنی چه، یکی‌اش هم تحدید این امور است. مالکیت را در عین حال که شارع مقدس محترم شمرده است، لکن ولی امر می‌تواند همین مالکیت محدودی که ببیند خلاف صلاح مسلمین و اسلام است، همین مالکیت مشروع را محدودش کند به یک حد معینی و با حکم فقیه از او مصادره بشود». (صحیفه امام (ره)، ج ۱۰، ص ۴۸۱)

این نوع مصادره گرچه بر مبنای برگزیده حضرت امام در باب ولایت فقیه، مصلحت نظام و تقدم احکام حکومتی بر کلیه احکام (حتی احکام اولیه) توجیه‌پذیر است و در سیستم‌های عرفی نیز به لحاظ تئوریک در صورت اقتضای نظم عمومی<sup>۱</sup> پذیرفته شده، اما عملاً مورد استفاده قرار نگرفته و به عکس همواره از مصادره اموال مشروع برحذر داشته‌اند. حتی در همین سخنرانی که به جواز

<sup>۱</sup>. Public Order.

مصادره مصلحتی تصریح می‌کنند ، چندین بار بر حرمت اموال مشروع و خودداری از مصادره آنها تأکید کرده‌اند !

« آن مقداری را که غیر مشروع است ، از شان مصادره می‌کنند . اما نه معنایش این است که شما بگویید که حالایی که بنا شد چه باشد پس تا یک هتلی ما دیدیم از یک کسی است ، بریزیم و بگیریم ، دیگر هیچ موازین نداشته باشد » . ( صحیفه امام (ره) ، ج ۱۰ ، ص ۴۸۱ )

در موضع‌گیری‌های دیگری نیز که پس از تجویز مصادره مصلحتی اتخاذ کرده‌اند از جمله در پیام نوروزی سال ۵۹ ( بند ۸ صحیفه امام ، ج ۱۲ ، ص ۲۰۶ ) و بیانی هشت ماده‌ای ( بند ۵ صحیفه امام (ره) ، ج ۱۷ ، ص ۲۱۹ ) از مصادره اموال مشروع به شدت اظهار تأسف کرده و بر پیگرد متخلفین تأکید ورزیده‌اند . پس مواضع حضرت امام نشان می‌دهد که ایشان مصادره‌های انجام گرفته را به دلیل نامشروع بودن توجیه کرده‌اند و هیچ گاه از آن به خاطر ( مصلحت ) و نیاز جامعه و حتی ضرورت ، دفاع ننموده‌اند .

## ۲-۳- انواع مصادره :

حقوقدانان تقسیم بندی های متعددی در خصوص مصادره بیان کرده اند که به بررسی مهم ترین موارد آن می پردازیم :

### ۲-۳-۱- مصادره عام و مصادره خاص :

یکی از حقوقدانان که این قسم از مصادره را به عنوان مصادره عمومی و اختصاصی توصیف کرده و معتقد است که مصادره عمومی عبارت از ، ضبط اموال موجود محکوم علیه ، اعم از منقول و غیرمنقول ، و مصادره اختصاصی عبارت از این است که مالکیت برخی از اشیاء که با جرم به نحوی ارتباط داشته اند به دولت اختصاص می یابد که این اشیاء ممکن است موضوع جرم و یا حاصل جرم باشد . ( صلاحی ، ۱۵۵ تا ۱۵۷ )

حقوقدانان دیگری، تعریف مشابهی از مصادره عام و خاص ارائه نموده و اضافه کرده که گاهی به مصادره عام (اعدام مدنی) می‌گویند. (شامبیاتی، ۱۳۷۱، ۳۷۱ تا ۳۷۳)

سزاریکاریا، موضوع مصادره عام را مرتبط با بحث تبعید مورد توجه قرار داده و چنین می‌نویسد:

«از دست دادن اموال، کیفری سنگین تر از تبعید است. بنابراین، باید مواردی را پیش بینی کرد متناسب با جرم که بشود تمام اموال را با یک قسمت از اموال را مصادره کرد و در موارد دیگر به هیچ مصادره ای دست نزد. حکم مصادره همه اموال وقتی صادر خواهد شد که تبعید پیش بینی شده در قانون به گونه ای است که تمام رشته های پیوند میان بزهکار و جامعه را می‌گسلد؛ چه از این پس، شهروند می‌میرد و تنها انسانی به جا می‌ماند و باید در ارتباط با دولت، تبعید همان آثار مرگ طبیعی را پدید آورد. بنابراین، به نظر می‌رسد اموالی که از بزهکار مصادره شده با توجه به اینکه مرگ و چنین تبعیدی نسبت به دولت آثاری همانند دارد، باید به وارثان قانونی او برگردد تا به حکومت». (بکاریا، ۱۳۶۸)

مصادره عام در واقع مبتنی بر محرومیت از حقوق مدنی بوده است که بر اساس آن اشخاص که مرتکب جرایم خاص می‌شدند تمام اموال آنها مصادره می‌شد و این موضوع که اموال وی ارتباطی با جرم ارتكابی نداشته است مؤثر در مقام نبود و با وجود لغو این نوع مجازات در کشورهای مختلف و اینکه تاریخ الغاء این مجازات سال ۱۸۷۰ اعلام شده است. (Gallant Mary, 2005, p.55)

در قوانین ایران و برخی از کشورهای دیگر، نمونه هایی از این نوع مجازات وجود داشته و بعضاً وجود دارد مثلاً در مواد ۴ و ۵ و ۸ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶، مصادره تمام اموال محکوم علیه به عنوان یکی از مجازات ها پیش بینی شده بود اما در اصطلاحاتی که در سال ۱۳۸۹ در مقررات مذکور انجام شد، مصادره عام لغو و مصادره اموال ناشی از همان جرم جایگزین آن شد و به همین دلیل و اینکه بحث پیرامون مصادره عام خارج از موضوع این تحقیق است صرفاً مصادره خاص را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

## ۲-۳-۲- مصادره کیفری و مصادره مدنی :

مصادره کیفری مبتنی بر محکومیت کیفری است ؛ یعنی اگر متهم محکومیت کیفری حاصل کند ، اموالی که از طریق ارتکاب جرم کسب کرده و یا برای ارتکاب جرم مورد استفاده قرار داده است نیز ممکن است در معرض مصادره قرار گیرد ، اما مصادره مدنی ارتباطی به محکومیت کیفری ندارد و بر اساس آن ، دولت بدون نیاز به طرح دعوی کیفری علیه متهم ، می تواند اموالی را که به نحوی مرتبط با جرم می داند ، توقیف کرده و اثبات خلاف آن را از مالک بخواهد . در مصادره کیفری ، که به عنوان مدل بریتانیایی مصادره نیز معروف است ، قبل از صدور دستور مصادره ، محکومیت کیفری لازم است ، اما در مصادره مدنی که به عنوان مدل آمریکایی مصادره نیز معروف است ، می توان عواید جزایی را از طریق راهکارهای مدنی مصادره کرد. ( عباسی ، ۱۳۸۵ ، ۲۷۹ )

برخی از حقوقدانان ، اصطلاح مصادره کیفری را در مفهومی که ما از آن به عنوان مصادره عام یاد کردیم بکار برده اند و برای مصادره کیفری در مفهومی که در این قسمت مورد نظر ماست اصطلاح ( مصادره اشیاء مرتبط با محکومیت ) را مورد استفاده قرار داده اند .

(Gallant, Marry, op.cit, P.55)

در مصادره مدنی که دعوی ، بجای مالک ، علیه خود مال مطرح می شود ، تقصیر یا بی گناهی مالک تأثیری در موضوع ندارد و مبانی این نوع مصادره به نظریه دئوداند در کامن لای انگلیس بر می گردد . ( Lehmanand, 2005, op.cit, P.457 )

در حقوق انگلیس ، به موجب قانون عواید ناشی از جرم مقرراتی در مورد مصادره مدنی و تحت عنوان ( استرداد مدنی ) وضع شده است . در حقوق ایران نیز موضوع استرداد ثروت های نامشروع موضوع اصل ۴۹ قانون اساسی ، از جهات متعددی قابل مقایسه با مصادره ی مدنی است .

### ۲-۳-۳- مصادره اجباری و مصادره اختیاری :

این تفکیک بر اساس اختیار یا عدم اختیار دادگاه در مورد صدور دستور مصادره است. اگر دادگاه با اجتماع شرایط قانونی مکلف به صدور دستور مصادره باشد آن را مصادره اجباری، و اگر صدور دستور مصادره به صلاحدید دادگاه باشد آن را مصادره اختیاری می نامند. در حقوق کانادا، هر چند قانون فدرال، در مورد جرمی که متهم در رابطه با آن محکوم شده است، صدور دستور مصادره اجباری می داند، اما قانون ایالت اونتاریو مقرر می دارد که اگر تمام شرایط قانونی صدور دستور مصادره هم محقق باشد، در صورتی که (آشکار اقتضای عدالت را نداشته باشد)، لازم نیست دستور مصادره صادر شود. (Davis, 2003, op.cit, pp.188-89)

کمیسیون اصلاح قوانین ایرلند، در سال ۱۹۹۱، در (گزارش راجع به مصادره عواید ناشی از جرم)، در مورد اینکه در صورت محکومیت، صدور دستور مصادره اجباری و یا به صلاحدید دادگاه باشد، پیشنهاد کرده است که در مواردی که بین اموال و جرم، ارتباط آشکار وجود داشته باشد، مصادره اجباری باشد ولی در سایر موارد یعنی مواردی که بتوان فرض منشأ مشروع را مورد توجه قرار داد، صدور دستور مصادره باید به صلاحدید و تشخیص دادگاه باشد. در مورد اجباری یا اختیاری بودن صدور دستور مصادره به لحاظ میزان عواید ناشی از مشروع نیز از بین چهار گزینه محتمل **الف)** اجباری بودن صدور دستور مصادره در تمام موارد منتهی به محکومیت متهم، **ب)** اجباری بودن صدور دستور مصادره صرفاً در مواردی که دادستان تقاضا کند، **ج)** اجباری بودن صدور دستور مصادره صرفاً در مواردی که ارزش عواید متهم از میزان خاص بیشتر باشد، **د)** اختیاری بودن صدور دستور در تمام موارد، پس از بیان ایرادات هر مورد، گزینه ی سوم را پیشنهاد کرده است.

(Report, Ireland, 1991, PP.57-58)

کمیسیون مذکور، میزان مقرر برای اجباری شدن صدور دستور مصادره را هزار پوند اعلام کرده است. (Ibda, P.75)

در قوانین کیفری ایران، در بسیاری از موارد، قانون به گونه ای است که اجباری بودن مصادره از آن استنباط می شود<sup>۱</sup> و در مواردی نیز می توان استنباط کرد که قانونگذار، این موضوع را به تشخیص دادگاه واگذار کرده است<sup>۲</sup>، هیأت عمومی دیوان عالی کشور در خصوص مصادره وسایل صید و شکار موضوع ماده ۱۴ قانون شکار و صید، به موجب رأی وحدت رویه شماره ۳۹ مورخ ۱۳۶۰/۱۱/۱۲ چنین اعلام نظر کرده است:

« ... مستفاد از قسمت اخیر ماده مزبور این است که دادگاه، در صورت صدور حکم مجازات متهم بر طبق مواد یاد شده، در مورد وسایل صید و شکار با عنایت به نحوه عمل ارتكابی و نوع وسیله ای که به کار رفته و کیفیت و کمیت صید و سابقه متهم و سایر اوضاع و احوال خاص قضیه، با ذکر دلیل تصمیم مقتضی بر ضبط وسیله شکار و یا رد آن به متهم اتخاذ نماید ». (فقیه نصیری، ۱۳۷۹، ۸۱)

#### ۲-۳-۴- مصادره عین و مصادره بهاء:

معمولاً عین اموالی که برای ارتكاب جرم مورد استفاده قرار گرفته یا از جرم تحصیل شده است مورد مصادره قرار می گیرد، اما در برخی از کشورها پیش بینی شده است که در موارد خاصی بتوان به جای عین اموال، معادل قیمت آن را مصادره کرد. در تعریف مصادره بهاء گفته شده است که: « مصادره بهاء عبارت است از الزام به پرداخت مبلغی بر اساس ارزیابی عواید یا بدل عوایدی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم از جرایم حاصل شده اند. (عباسی، ۱۳۸۵، ۲۸۰)

یکی از حقوقدانان در این خصوص ضمن تقسیم مصادره به عینی و قیمی در مورد مصادره عینی

چنین می نویسد:

---

<sup>۱</sup>- ر.ک. مواد ۸ و ۹ قانون ممنوعیت بکارگیری تجهیزات دریافت از ماهواره مصوب ۱۳۷۳ و تبصره ماده واحده قانون تشدید مجازات جاغلین اسکناس و وارد کنندگان توزیع کنندگان مصرف کنندگان اسکناس مجعول مصوب ۱۳۶۸.

<sup>۲</sup>- ر.ک. ماده ۱۳ قانون اقدامات تامینی مصوب ۱۳۳۹ و ماده ۱۴ قانون شکار و صید اصلاحی ۱۳۷۵.

« چنانچه مال یا شیء موضوع جرم یا تحصیل شده از جرم یا اختصاص یافته به ارتکاب جرم یا بکار رفته در جرم، کشف شده باشد، عیناً مورد حکم دادگاه قرار گرفته و به نفع دولت ضبط و به مالکیت دولت در می آید و این نوع مصادره را مصادره عینی گویند. ( فرج الهی، ۱۳۷۶، ۱۴۶ )

نویسنده مذکور در مورد مصادره قیمی نیز چنین اعلام نظر کرده است :

« در صورتی که شیء یا مال موضوع مصادره در اختیار متهم باشد و از تحویل آن به دادگاه خودداری کند یا به دست نیامده باشد، در این صورت وجهی معادل ارزشی نسبی آن به عنوان مصادره از محکوم اخذ می شود ». ( همان، ۱۴۷ )

نظام مصادره بهاء، در بسیاری از اسناد بین المللی نیز مورد پذیرش قرار گرفته است. در ماده ۷ کنوانسیون استراتسبورگ<sup>۱</sup>، مصادره اموال جایگزین اموالی که از ارتکاب جرم ناشی شده اند و نیز مصادره اموالی عواید مذکور پیش بینی شده است.

در ماده ۴ قانون نمونه در مورد تطهیر، مصادره و همکاری بین المللی در رابطه با عواید ناشی از جرم مصوب ۱۹۹۹، در مورد موضوع مصادره، دوگونه یعنی مصادره عین مال در هر کجا که واقع شده باشد و یا صدور دستور مصادره به میزان نفعی که متهم تحصیل کرده است پیش بینی شده است. (UNODCCP, 1999, art 4.2.9)

در بخش ۳۸ لایحه نمونه ی پول شویی و عواید ناشی از جرم مصوب، (UNCDP 2000,s 38) پیش بینی شده است که در موارد زیر امکان پرداخت وجه به جای مصادره ی عین اموال وجود دارد :

(۱) با وجود سعی و تلاش لازم، محل استقرار مال کشف نشود.

(۲) مال به شخص ثالثی منتقل شده است که نمی دانسته انتقال عین یا منافع، به خاطر فرار از مصادره مال بوده است؛

(۳) مال در خارج از کشور قرارداد؛

<sup>1</sup>. Strasbourg Convention.

۴) به طور اساسی از قیمت مال کاسته شده و یا مال بی ارزش شده است ؛

۵) مال با مال دیگری ممزوج شده که به سادگی قابل جدا کردن نیست .

( موارد مذکور عیناً در بخش ۳۸ لایحه عواید ناشی از جرم و فعالیت های غیرقانونی ، پول شویی، و تأمین مالی<sup>۱</sup> ، تکرار شده است ) .

درتوصیه شماره ۸ از توصیه های نوزده گانه ی گروه ضربت اقدام مالی منطقه ی کارائیب ، چنین آمده است :

«کشورها باید تدابیری بیندیشند برای امکان مصادره هر نوع مالی که بیانگر اموالی است که مستقیم یا غیرمستقیم از جرایم مربوط به مواد مخدر یا جرایم پول شویی ناشی شده است ( مصادره ی مال ) و همچنین ممکن است نظامی از مجازات های مالی را پیش بینی کنند که مبتنی است بر ارزیابی ارزش اموالی که مستقیم یا غیرمستقیم از چنین جرایمی ناشی شده است . در مورد دوم ، مجازات های مالی، از محل تمام اموال موجود محکوم علیه قابل اجراء است مصادره بهاء<sup>۲</sup> .»

### (Action task force (CFATF), 19 recommendation, 1990, rec 8)

و بالاخره اینکه در توصیه شماره ۳ از توصیه های چهل گانه ی فف<sup>۳</sup> مصوبینز مصادره بهاء پیش بینی شده است .

در خصوص مزایای نظام مصادره بهاء ، یکی از حقوقدانان چنین اعلام نظر کرده است که :

« اولاً ، اختفاء ، جایگزینی یا از بین بردن عین اموال ناشی از جرم ، خللی به عملیات مصادره وارد نمی کند و ثانیاً ، تصاحب اموال قانونی را ممکن می کند ؛ یعنی مسئولیت ادای معادل اموال ناشی از جرم به عهده ی مجرم است ولو اینکه وی اموال غیر قانونی اصلی را از دست داده باشد » . (سلیمی ، ۱۳۸۲ ، ۱۴۹)

1 . UNDODC: Model proceeds of crime and unlawful activities, money laundering and terrorist financing Bill, 2004, s 38.

2 . Caribbean Financial.

3 . FATF: Forty Recommendation 2003, rec 3.



نکته ای که لازم است به آن توجه شود این است که در حقوق برخی از کشورها، در مواردی که مصادره عین مال ممکن نباشد، امکان تعیین جزای نقدی پیش بینی شده که قابل مقایسه با مصادره بهاء است. در کانادا به موجب بخش ۴۶۲ قانون جزا، در صورتی که مال به شخص ثالث منتقل شده یا در خارج از کانادا قرار داشته باشد و یا طوری با سایر اموال ممزوج شده باشد که به آسانی قابل جدا کردن نباشد، معادل قیمت مال جریمه تعیین می شود. البته این موارد اختصاص به عواید ناشی از جرم دارد و شامل اموالی که وسیله ارتکاب جرم بوده است نمی شود.

(Davis, Kevin E, op.cit, pp.194 and 205)

در حقوق ایران نیز تأسیس مشابهی به صورت استثنایی و در یک مورد خاص پیش بینی شده است. در مورد جرایم ساخت، خرید، فروش، در معرض فروش قرار دادن حمل، نگهداری، در اختیار دیگری قرار دادن و وارد نمودن مشروبات الکلی به کشور، در صورتی که به دلیل بی اطلاعاتی مالک امکان مصادره عین وسایلی که برای حمل مشروب مورد استفاده قرار گرفته وجود نداشته باشد، تبصره ۱ ماده ۷۰۳ قانون مجازات اسلامی اصلاحی ۱۳۸۷ حکم خاص پیش بینی کرده است، مطابق تبصره مذکور:

« در خصوص مواد ۷۰۲ و ۷۰۳، هرگاه مشروبات الکلی مکشوفه به میزان بیش از بیست لیتر باشد، وسایلی که برای حمل آن مورد استفاده قرار می گیرد چنانچه با اطلاع مالک باشد به نفع دولت ضبط خواهد شد. در غیر این صورت، مرتکب به پرداخت معادل قیمت وسیله نقلیه نیز محکوم خواهد شد ... »

## ۲-۴- اهداف و موجبات ضبط و مصادره اموال :

### ۲-۴-۱- اهداف ضبط و مصادره اموال :

کشورهای مختلف اهداف متعددی از وضع مقررات مربوط به ضبط و مصادره اموال، مد نظر دارند.

در این گفتار، این اهداف را به اختصار مورد بررسی قرار می دهیم .

## ۲-۵- محاسن و معایب ضبط و مصادره اموال :

### ۲-۵-۱- محاسن ضبط و مصادره اموال :

#### ۲-۵-۱-۱- امکان انتخاب به عنوان جایگزین زندان :

مصادره اموال ناشی از جرم و نیز اموالی که موضوع جرم بوده و یا برای ارتکاب جرم مورد استفاده قرار گرفته است این قابلیت را دارد که در نظامهای کیفری ، به عنوان یکی از جایگزین های مجازات زندان ، خصوصاً در جرایمی که از شدت زیادی برخوردار نیستند ، مورد استفاده قرار گیرد . مصادره درآمدهای ناشی از ارتکاب فعالیتهای غیرقانونی، در جوامع فعلی گسترش زیادی پیدا کرده است . ایده این مجازات این است که عوایدی که مجرم از ارتکاب جرم تحصیل کرده است نباید در تصرف وی باقی بماند و به این دلیل توسعه اختیارات مراجع قانونی برای مصادره عواید نامشروع ، یکی از توصیه هایی است که برای جایگزینی ضمانت اجراهای مرسوم و خصوصاً زندان مطرح شده است .  
(Bowles, 2000, pp. 532-38)

نکته ای که لازم است به آن توجه شود این است که مصادره اموال ناشی از جرم ، از نظر برخی از حقوقدانان مجازات تلقی نمی شود . دیوان عالی کشور آمریکا در دعوی در سال ۱۹۴۷<sup>۱</sup> نظر داد که مصادره ، منعکس کننده چیزی بیش از اخذ اموالی که عواید ناشی از جرم است نمی باشد و به این دلیل ، مصادره نمی تواند مجازات تلقی شود . (Hakinen kaisa, pp. 14-15)

همانطور که برخی از نظریه پردازان مدل اقتصادی پیشگیری از جرم مطرح کرده اند ، بر اساس این مدل ، در صورتی که منافع مورد انتظار مجرمین بالقوه ، بیشتر از هزینه های ارتکاب جرم باشد ، مجرمین بالقوه مرتکب جرم می شوند ؛ اما از طریق بالابردن هزینه های جرم یعنی افزایش احتمال

<sup>1</sup> . Calero-tolero v.pearson yacht leasing co, 416 US 663, 1974.

محکومیت یا شدت مجازات یا کاستن از منابع جرم، می توان از ارتکاب جرم جلوگیری کرد. مصادره از این جهت کاملاً مناسب است، چرا که منافع جرم را کاهش می دهد. اگر مصادره، تنها مجازات باشد، فایده مورد انتظار مثبت خواهد بود و این مؤثر در ارتکاب جرم است؛ بنابراین نیاز است که ضمانت اجراهای کیفری دیگری هم در کنار تنها مجازات باشد، فایده مورد انتظار مثبت خواهد بود و این مؤثر در ارتکاب جرم است؛ چرا که در این صورت فایده مورد انتظار مجرم از جرم، منفی خواهد بود. به تعبیر دیگر چنانچه مصادره، تنها مجازات باشد، چون مجرم چیزی بیش از آنچه تحصیل کرده است از دست نمی دهد، کماکان انگیزه لازم برای ارتکاب جرم در او وجود دارد؛ ضمن اینکه امید به عدم دستگیری و محکومیت و نیز اشتباهات قضایی که ممکن است در نتیجه آن منافع متهم کمتر از میزان واقعی تخمین زده شود، می تواند در وقوع جرم نقش داشته باشد.

(Ibid, pp. 8-10 and 13)

با توجه به مراتب فوق، برخی از نویسندگان، نقش مصادره را به عنوان یک نقش مکمل در نظر گرفته اند. (Bowles, 2000, p.538)

و برخی نیز پیشنهاد کرده اند که مصادره در بسیاری از موارد باید توأم با جزای نقدی یا زندان باشد. (Fried, 1988, p.358)

به نظر می رسد که در عصر حاضر، این عقیده که مصادره مجازات تلقی نمی شود از مبنای محکمی برخوردار نیست و اکثر حقوقدانان مصادره اموال را در ردیف سایر مجازات ها ذکر کرده اند و ظاهراً رأی دیوان عالی آمریکا نیز بیشتر ناظر بر ماهیت مصادره مدنی در آن کشور باشد. اما این موضوع که در بسیاری از موارد، مصادره اموال به تنهایی نمی تواند ضمانت اجرای مناسبی محسوب شود صحیح به نظر می رسد و در این موارد نظام کیفری می تواند با ترکیب مجازات مصادره با سایر مجازات ها از قبیل جزای نقدی و زندان، این نقیصه را مرتفع کند. در حقوق ایران، از سال ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۵، به موجب تبصره ۲ ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکب ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷، مجازات راشی صرفاً ضبط (مصادره) مال مورد ارتشاء بود که این موضوع مورد

انتقاد قرار گرفت<sup>۱</sup> تا اینکه در ماده ۵۹۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵، علاوه بر این مجازات، زندان و یا شلاق نیز در نظر گرفته شد.

با تمام اوصاف، در مورد بسیاری از جرایم، مصادره اموال می تواند در کنار مجازات هایی مانند جزای نقدی، جایگزین مناسبی برای مجازات زندان باشد و در مورد جرایم کم اهمیت که امکان کیفرزدایی و حتی جرم زدایی وجود داشته باشد، مصادره کیفری و حتی مصادره مدنی از اهمیت زیادی برخوردار است و می تواند به عنوان تنها ضمانت اجرا (کیفری یا مدنی) مورد استفاده قرار گیرد.

بنابراین، مصادره عواید ناشی از جرم که در واقع به معنای کاهش منافع ناشی از جرم است، بر اتخاذ تصمیم مجرمین بالقوه تأثیر می گذارد و موجب حصول اطمینان به اینکه (جرم به صرفه نیست) می گردد.

همان طور که قبلاً گفتیم، اثر اربعایی مصادره از طرف برخی از حقوقدانان مورد تردید و حتی انکار قرار گرفته است. مهم ترین دلیل در این زمینه این است که مجرم را فقط مکلف به استرداد آنچه گرفته می کند، آن هم در صورتی که دستگیر و محکوم شود. هیچ کودکی از سرقت شیرینی مرعوب نمی شود، اگر فقط ناچار به استرداد آن باشد چرا که ممکن است فکر کند دستگیر نمی شود. برای ارباب چیزی بیش از مصادره لازم است. برای تحقق ارباب، لازم است که مجازات، با مالی که مجرم تحصیل کرده است مساوی نباشد، چرا که ممکن است جرم کشف نشود یا بی مجازات بماند.

از طرف دیگر، گفته شده است که این موضوع که زندان در مورد سازمان های بزهکاری فاقد اثر اربعایی است (و برعکس، مصادره اموال دارای اثر اربعایی است) صحیح نیست زیرا در مورد سازمان های بزهکاری مشکل این است که دولت تلاش نمی کند که رهبران آنها را مجازات کند و اگر در این کار انجام شود مفید است.

<sup>۱</sup> - ر.ک. دلیر، حمید، نگرشی بر مجازات رایشی در حقوق کیفری ایران ص ۱۴۱ تا ۱۵۲.

ایراد دیگری که در مورد اثر اربعایی مصادره مطرح شده، این است که بر مبنای تحلیل اقتصادی جرم، مجازات باید بر اساس شدت جرم باشد؛ یعنی جرم شدید مجازات بیشتر و جرم خفیف، مجازات کمتر داشته باشد، در حالی که مصادره ارتباطی به شدت جرم ندارد. مصادره در واقع بستگی به استعمال مال برای ارتکاب جرم دارد نه به شدت جرم مثلاً اگر با استفاده از خودرو، مواد مخدر از نوع تریاک و یا هروئین حمل شود، در هر دو صورت مجازات مصادره یکسان است و به نفع اقتصادی ناشی از ارتکاب این دو جرم (و نیز میزان صدمه‌ی وارده) توجه نمی‌شود و در نتیجه شخص ممکن است جرمی را که نفع بیشتری دارد مرتکب شود.

بنابراین، با توجه به مطالبی که در مبحث قبل بیان شد، هر چند اثر اربعایی مصادره تا حدودی قابل مناقشه است، اما در صورتی که مصادره توأم با سایر مجازات‌ها، مانند زندان و یا جزای نقدی مورد استفاده قرار گیرد و به تعبیر دیگر تناسب بین جرم و مجازات مورد توجه قرار گیرد، تردیدی در اثر اربعایی مصادره وجود نخواهد داشت.

## ۲-۵-۲- معایب ضبط و مصادره اموال :

در آثار و نوشته‌های حقوقی، مواردی به عنوان معایب مصادره اموال ذکر شده است که به اختصار به بررسی آن می‌پردازیم :

## ۲-۵-۲-۱- تعارض با اصل شخصی بودن مجازات‌ها :

برخی از حقوقدانان معتقدند که ضبط و مصادره اموال، با اصل شخصی بودن مجازات‌ها تعارض دارد، زیرا ضبط و مصادره اموال نه تنها بر دارایی شخص بزهکار لطمه وارد می‌کند، بلکه با کاهش دارایی مجرم، به تمام کسانی که با این دارایی زندگی می‌کنند و یا نسبت به آن حقی دارند، آسیب می‌رساند و این امر بر خلاف انصاف و عدالت است. (قاسمی، ۱۳۷۹، ۷۵)

سزار بکاریا در این باره چنین می‌نویسد :

« مصادره ، سرِ ناتوان را به جایزه می گذارد و بی گناهان را به تحمل کیفر گناهکاران وا می دارد و آنان را در ناچاری و نومییدی به ارتکاب جرایم می کشاند . آیا از این منظره ، اندوهناک تر که خانواده ای از رسوایی به ستوه آید و به علت جرایم سرپرست خود در تنگدستی غوطه ور شود ... » . ( بکاریا ، ۱۳۶۸ ، ۹۳ )

برخی از حقوقدانان ، ضمن تأیید این ایراد ، اضافه کرده اند که برای حل این مشکل و جلوگیری از سرایت آثار مجازات به دیگران ، قانونگذاران به چاره جویی دست زده اند و مواردی مانند مستثنی شدن ( هزینه تأمین زندگی متعارف برای خانواده ی محکوم ) از مجازات مصادره ی اموال در مقررات مربوط به مواد مخدر<sup>۱</sup> را به عنوان نمونه هایی از این چاره جویی ها ذکر کرده اند . ( اردبیلی ، ۱۳۸۶ ، ۱۷۱ )

به نظر نگارنده ، ایراد مربوط به تعارض مصادره اموال با اصل شخصی بودن مجازات ها چندان قابل توجه نیست ؛ زیرا اولاً همان طور که برخی از حقوقدانان به درستی اعلام نظر کرده اند ( همان جا ) ، این ایراد مربوط به مصادره عام است که در عصر حاضر ، جز در موارد استثنای از نظام مجازات های کشورهای مختلف حذف شده است و آنچه در دنیای امروز بیشتر مورد توجه قرار گرفته است همان مصادره عواید ناشی از ارتکاب جرم است که در این موارد چون آنچه مجرم به طور غیرقانونی تحصیل کرده است از او اخذ می شود موضوع تعارض با اصل شخص بودن مجازات ها منتفی است .

ثانیاً ، هر چند در مورد مصادره عام و نیز مصادره اموالی که به عنوان ابزار و وسیله برای ارتکاب جرم مورد استفاده قرار گرفته و در نتیجه مصادره آن ، خانواده محکوم ممر درآمد خود را از دست می دهند ، افراد تحت تکفل محکوم نیز آسیب می بینند ، اما این آسیب در واقع جنبه فرعی داشته و به معنای مجازات کردن افرادی غیر از مرتکب جرم نیست ؛ ضمن اینکه در بسیاری از موارد با وجود مصادره بخشی از دارایی محکوم ، هیچ آسیبی به افراد تحت تکفل او وارد نمی شود .

<sup>۱</sup> - ر.ک. مواد ۴ و ۵ و ۸ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶ .

ثالثاً، این موضوع اختصاص به مصادره اموال ندارد، بلکه در مورد سایر مجازات‌ها مانند حبس و تبعید و اعدام و حتی جزای نقدی نیز، آثار مجازات متوجه اطرافیان مجرم نیز می‌شود.

## ۲-۲-۵-۲- امکان استفاده از جزای نقدی به جای مصادره اموال :

برخی از حقوقدانان با طرح این پرسش که آیا با تحمیل جزای نقدی بر مجرم، می‌توان به همان اهداف مصادره اموال دسترسی پیدا کرد یا خیر، به این ایراد که به دلیل امکان استفاده از جزای نقدی، مصادره اموال غیرضروری است پاسخ داده‌اند. (Gallant, 2005, p.16)

با این توضیح که بر اساس این ایراد، یک جزای نقدی قابل توجه می‌تواند مجرم را از عواید و درآمدهای مجرمانه بی‌بهره کند و به این دلیل نیازی به مصادره نیست.

باید توجه داشت که هر چند از نقطه نظر متهم، تفاوت کمی بین مصادره عواید جزایی و الزام به پرداخت جزای نقدی وجود دارد؛ اما از نقطه نظر حکومت، مزایای نظام مصادره اموال بر جزای نقدی، بدیهی و آشکار است؛ چرا که مقررات مربوط به مصادره اموال، جمع‌آوری و دریافت عواید جزایی و اجرای مؤثر استراتژی مبتنی بر استرداد عواید ناشی از جرم را تسهیل می‌کند. (همان)

از طرف دیگر، احتمال حیف و میل اموال وجود دارد و ممکن است مجرم، تا خاتمه رسیدگی کیفری، اموال را از کشور خارج کند یا مالکیت آن را به دیگری منتقل کند و یا عواید مجرمانه را تطهیر کند. مقررات مربوط به مصادره از طریق شیوه‌هایی که برای ضبط و توقیف اموال قبل از صدور دستور مصادره، پیش‌بینی شده است از انجام چنین اقداماتی جلوگیری می‌کند و در نتیجه با ضبط و توقیف اموال مذکور، شرایط لازم برای اجرای دستور مصادره‌ای که در آینده صادر خواهد شد فراهم می‌شود. اما در مورد جزای نقدی، معمولاً تا قبل از صدور حکم و امتناع محکوم از پرداخت جزای نقدی، امکان ضبط و توقیف اموال وجود ندارد. (همان)

کشورهای مختلف از طریق شیوه های متفاوتی در صدد رفع این نقیصه هستند؛ مثلاً نظریه بازگشت به گذشته<sup>۱</sup> (یا کاشف بودن) که در برخی از نظام های حقوقی وجود دارد؛ مالکیت اموال را از زمان ارتکاب جرم، به حکومت منتقل می کند. بر اساس این نظریه، هر گونه انتقال اموال، که پس از وقوع جرم و قبل از محکومیت مجرم واقع شده باشد، بی اعتبار است زیرا مالک، هیچ نوع منفعت مشروع در مال ندارد. اما جزای نقدی، منافع مالک در مال را، نه قبل از محکومیت و نه بعد از آن، از بین نمی برد و هیچ تضمینی وجود ندارد که جزای نقدی واقعاً پرداخت شود.

(Gallant, 2005, p.16)

برخی از کشورها، نظریه بازگشت به گذشته را نپذیرفته اند اما اجازه می دهند که در مورد اموال خاصی، اتهامی وارد شود تا قبل از صدور دستور مصادره، پرداخت آن تضمین شود. بنابراین هر چند جزای نقدی و مصادره، هر دو اموال مجرم را هدف می گیرند، اما مصادره، یک نظام اجرایی مؤثر است. (همان، صص ۱۶-۱۷)

صرف نظر از امتیاز فوق، نظام مصادره اموال، از نظر ادله اثبات نیز بر نظام مبتنی بر جزای نقدی رجحان دارد. توضیح اینکه در بسیاری از کشورها از جمله انگلیس، بزهکاری متهم باید بر اساس معیار (بدون شک و شبهه معقول) اثبات می شود و محکومیت به جزای نقدی نیز مشمول همین قاعده است، اما در این کشورها، پس از اثبات بزهکاری متهم، اثبات انتفاع متهم از رفتار جزایی، بر اساس معیار ساده تری که مربوط به امور مدنی است، یعنی معیار (موازنه احتمالات) انجام می شود و به تعبیر دیگر، اگر احتمال انتفاع متهم از رفتار جزایی، بیشتر از احتمال عدم انتفاع او باشد، انتفاع متهم از رفتار جزایی اثبات می شود و می توان علیه او دستور مصادره صادر کرد. از طرف دیگر در برخی از کشورها، در مورد جرایم خاصی، بار اثبات، معکوس شده است و اثبات اینکه اموال خاصی ناشی از رفتار جزایی نبوده و دارای منشأ مشروع است، بر عهده متهم گذاشته شده است. بنابراین، با توجه به تفاوت معیار اثبات و نیز معکوس شدن بار اثبات، از طریق نظام مصادره اموال، بهتر می توان عواید مجرمانه را از مجرمین اخذ کرد. (همان، ص ۱۷)

<sup>1</sup>. Relation-back Doctrine.



# فصل سوم

## مبانی مشروعیت مصادره

### ۳-۱- کلیات :

#### ۳-۱-۱- مشروعیت مالکیت خصوصی :

مالکیت خصوصی استفاده، کنترل، مالکیت و قابلیت دور انداختن یا اهدا کردن زمین، سرمایه، و دیگر اشکال مالکیت توسط افراد قانونی و شرکتهای تحت مالکیت خصوصی است. مالکیت خصوصی از مالکیت عمومی و اشتراکی - که به منابع در تملک حکومت، جامعه یا دولت اشاره دارد و نه افراد حقی

قی و یا بنگاه اقتصادی - قابل تمایز است. (ویکی پدیا، مالکیت خصوصی)

مشروعیت این نوع مالکیت از ضروریات فقه اسلامی است. (شهید ثانی، ۱۳۱۰، ۳۸۸)

امام خمینی (ره) به مناسبت حدیث سلطنت، بارها به این موضوع پرداخته‌اند. به نظر ایشان حق سلطه اشخاص بر اموال خود از احکام عقلایی است که توسط شارع امضاء شده و به موجب آن مالکان حق هر گونه تصرفی اعم از حقیقی و اعتباری و حق حفظ مال خود و ممانعت از مداخله و استیلاي دیگران بر آن را دارند. (امام خمینی، ص ۱۰ و ۴۵۷ - ۴۶۵)

همچنین ایشان، تصرف در ملک غیر را عقلاً و نیز از نظر عقلاً قبیح دانسته و آن را خلاف شرع قلمداد کرده‌اند.

حضرت امام (ره) پس از پیروزی انقلاب اسلامی ضمن دفاع از مصادره اموال، به حرمت اموال مشروع و مشروعیت مالکیت خصوصی، تصریح کرده‌اند. (امام خمینی (ره)، صحیفه امام، جلد ۱۰، ۴۸۱)

### ۳-۱-۱-۱- محدودیت مالکیت خصوصی از دیدگاه امام (ره) :

مشروعیت مالکیت خصوصی به معنای قید ناپذیری آن نیست و محدودیت‌های مختلفی از قبیل ممنوعیت ربا، رشوه، احتکار، اضرار به غیر و مالیات‌های ثابت مانند: زکات، خمس و مالیات‌های متغیر که توسط حکومت اسلامی وضع می‌گردد، متوجه این نوع مالکیت می‌باشد.

امام خمینی (ره) در دفاع از مصادره اموال نامشروع با تصریح به این موضوع فرموده‌اند :

«مسئله مالکیت به یک معنا، مالکیت هم مشروع، هم مشروط، محترم است، لکن معنا این نیست که هر کس هر کاری می‌خواهد بکند و مالکیت از هر جا می‌خواهد پیدا بشود؛ مشروع بودن معنایش این است که روی موازین شرعی باشد. ربا در کار نباشد، مال مردم، استثمار بی‌جهت نباشد. اگر به من نسبت دادند که حد و مرزی ندارد، اگر مقصودشان، این است که حد و مرزی ندارد، یعنی نه قیدی دارد و نه حدی دارد، این را غلط نسبت دادند... مالکیت در صورتی که مشروع باشد، روی موازین باشد، محترم است، چه ما مرتجع باشیم، چه نباشیم و مالکیت غیر مشروع محترم نیست».

(امام خمینی (ره)، صحیفه امام، جلد ۱۰، ۴۸۱)

### ۳-۱-۱-۲- حرمت و بطلان مصادره اموال مشروع :

مشروعیت مالکیت خصوصی و حرمت اموال مردم، ایجاب می‌کند که هر گونه تصرف در مال غیر بدون اذن مالک یا قائم مقام قانونی و یا قرار دادی وی، مجاز نباشد. بدین ترتیب مصادره اموال مشروع از نظر تکلیفی حرام و از نظر وضعی باطل است. جالب توجه است که فقهای اسلامی یکی از اسباب ارتداد را حلال شمردن مال غیر دانسته‌اند، زیرا حرمت اموال و مالکیت خصوصی از ضروریات فقهی است. (شهید ثانی، همان، ج ۶، ۳۸۸)

امام خمینی (ره) نیز بارها مصادره اموال مشروع را مغایر با موازین اسلام دانسته‌اند، از جمله

فرموده‌اند :

« و هر کس که به من نسبت دهد که من راضی هستم به این که یک وجب از زمین مردم غصب بشود ، برخلاف موازین اسلامی اخذ بشود یا یک شاهی از مردم گرفته بشود و مصادره بشود و موازین اسلامی نداشته باشد ... من از آنها بری هستم و خدای تبارک و تعالی هم بری است » .

( امام خمینی (ره) ، صحیفه امام ، ج ۱۳ ، ۵۱۲ )

و در جای دیگر فرموده‌اند :

« می‌گویند که زمین‌های مردم و باغات مردم را غصب می‌کنند و هیچ جا هیچ کس هم دخالت در این امر نمی‌کند . می‌گویند این گروه هفت نفری که گفته شده به آنها ، اعلام کردند بر آنها ، دولت هم اعلام کرده است که باید در آن چیزهایی که غیر مشروع است دخالت نکنند ، آنها دخالت می‌کنند / هیچ اعتنا به این مسائل نمی‌کنند . می‌گویند مصادره اموال مردم ، بی‌جا مصادره می‌شود ، اموال مردم بدون این که جهت شرعی داشته باشد » . ( همان ، ۲۲۰ - ۲۲۱ و ۲۰۶ و جلد ۱۲ ، ۲۰۶ )

و در نهایت ایشان طی فرمانی از مسئولین می‌خواهند که با جدیت از مصادره اموال مشروع جلوگیری کرده و متخلفین را به مجازات برسانند . ( همان ، جلد ۱۲ ، ۲۰۶ )

### ۳-۱-۲- حل تعارض مشروعیت مالکیت خصوصی و حکم مصادره اموال :

با توجه به مطالب پیشین ، اکنون تردیدی در سازگاری مبنای حضرت امام (ره) در باب مالکیت خصوصی و تجویز مصادره اموال باقی نمی‌ماند ، زیرا مالکیت تنها در صورتی که از راه مشروع به دست آمده باشد ، محترم است . از این رو غصب اموال غیر و تصرف و یا تملک اموال عمومی نامشروع و ردّ یا استرداد آنها به صاحبان واقعی ، ضرورت دارد ، همچنان که تقاصّ از اموال مدیون (با حفظ شرایط) شرعاً جایز است . مواضع حضرت امام (ره) در باب مصادره نیز که تا کنون نقل شد ، نشان می‌دهد که ایشان همواره مصادره را به دلیل غصب اموال عمومی و غارت بیت المال و یا به دلیل بدهی به ملت ، جایز شمرده‌اند . البته ایشان در موردی تصریح کرده‌اند که در صورت ایجاب مصلحت ، حتی مصادره اموال مشروع هم جایز است . توجه این دیدگاه چنانکه گفته شد با

ملاحظه مبنای کلی ایشان در باب مصلحت نظام اسلامی، امکان‌پذیر است، زیرا از دیدگاه حضرت امام (ره) در صورت تعارض مصلحت نظام با احکام اولیه اسلام، حفظ نظام و مصلحت آن مقدم است.

### ۳-۱-۳- مشروعیت مالکیت خصوصی در حقوق ایران :

حقوق اسلامی ایران به پیروی از فقه امامیه، مالکیت خصوصی را مشروع و قانونی دانسته است، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که قانون برتر و معیار سنجش سایر قوانین است، در چند اصل به این موضوع تصریح کرده است؛ از جمله در اصل ۴۹ مقرر نموده است :

« مالکیت شخصی که از راه مشروع باشد محترم است. ضوابط آن را قانون معین می‌کند » .

همچنین در قسمتی از اصل ۴۶ آمده است :

« هر کس مالک حاصل کسب و کار مشروع خویش است » .

و در اصل ۴۴ اقتصاد کشور بر سه پایه دولتی، تعاونی و خصوصی طرح ریزی شده است .

قانون مدنی نیز که مهم‌ترین نظام نامه حقوقی شهروندان ایرانی است، در موارد مختلفی به طور صریح یا ضمنی مالکیت خصوصی را محترم شمرده است؛ از جمله می‌توان به مواد ۲، ۳۰، ۳۱ و ۳۵ اشاره کرد. ماده ۳۱ مقرر می‌کند :

« هیچ مالی را از تصرف صاحب آن نمی‌توان بیرون کرد، مگر به حکم قانون » .

البته تردیدی نیست که مالکیت مزبور محدود به ضوابطی است. چنان که اصول ۴۶ و ۴۷ قانون اساسی آن را در صورتی معتبر دانسته‌اند که از راه مشروع حاصل شده باشد و اصول ۴۵ و ۴۷ نیز از اموالی نام برده است که قابل تملک خصوصی نیست. همچنین مواد ۲۴ تا ۲۸ و ماده ۳۰ و ۳۱ قانون مدنی هر یک به گونه‌ای مالکیت خصوصی را تحدید کرده‌اند.

### ۳-۱-۴- اموال عمومی در حقوق ایران :

طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران ، دسته‌ای از اموال عمومی و غیر قابل تملک خصوصی می‌باشند . حال خواه متعلق به شخصیت حقوقی ولایت فقیه یا حکومت اسلامی باشد و یا ملک عموم ملت . اصل ۴۵ قانون اساسی بعضی از این اموال را نام برده است و مواد ۲۳ تا ۲۸ قانون مدنی نیز دسته دیگری از آن‌ها را برشمرده است . بر حسب قوانین یاد شده اموال زیر از جمله اموال عمومی است :

« زمین‌های موات ، دریاها ، دریاچه‌ها ، رودخانه‌ها و سایر آب‌های عمومی ، کوه‌ها ، دره‌ها ، جنگل‌ها ، نزارها ، بیشه‌های طبیعی ، مراتعی که حریم نیست ، ارث بدون وارث ، اموال مجهول المالک ، راه‌ها و جاده‌های عمومی ، پل‌ها ، میدان‌گاه‌های عمومی ، اموال دولتی که برای مصالح یا انتفاعات عمومی مهیا شده است ، موزه‌ها ، کتاب‌خانه‌ها و آثار تاریخی .

### ۳-۲- مبانی حقوقی مصادره اموال :

بررسی قوانین مربوط به مصادره اموال نشان می‌دهد که مبانی حقوقی مصادره ، مغایر با عناوین و جهات فقهی آن نیست . ملاحظه اظهارات و دیدگاه‌های قانون‌گذاران به هنگام بحث و بررسی قوانین مربوط ، راهنمای خوبی برای استنباط مبانی حقوقی مصادره در جمهوری اسلامی است . بدین منظور ، بیانات چند تن از نمایندگان مجلس بررسی نهایی قانون اساسی و مجلس شورای اسلامی را مطرح می‌کنیم :

آیه الله مقدسی شیرازی یکی از فقهای مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در سخنان قبل از دستور جلسه ۵۵ می‌گویند :

« این همه ثروت جمع کرده‌اند ، حبس کرده‌اند ، چرا نمی‌آیند حقوق الهی را بدهند؟ مگر خمس یکی از حقوق مسلم قانون اسلام نیست ؟ اینها را اگر بخواهیم محاسبه کنیم و باید هم محاسبه بشوند همین ثروت ملت است که آنان جمع کرده‌اند . همین ثروت‌هایی است که یا از راه غیر مشروع به دست آمده و اگر از راه غیر مشروع باشد باید مصادره بشود . حالا اگر بعضی‌ها هم می‌گویند در

اسلام مصادره نداریم ، مصادره یعنی چه ! مصادره یعنی مال غیر مشروع که از راه غیر مشروع به دست آمده است ، باید این طور ثروت‌ها گرفته شود . اگر صاحبان اصلی آنها معلوم باشد به آنها داده بشود و اگر صاحبان اصلی آنها معلوم نیست ، برای بهبودی وضع زندگی نیازمندان و مستضعفین به بنیاد مستضعفان و به بیت المال برگردانده شود ... و اگر هم آن ثروت‌هایی که جمع کرده‌اند از راه حلال و حرام به دست آمده است بایستی دو خمس گرفته شود . یک خمس ، خمس مال مخلوط به حرام اگر صاحبش و مقدارش معلوم نباشد و یک خمس ، خمس پس انداز که مال را ذخیره کرده است ، و یا رفته املاکي و یا اشیای دیگر خریده و یا در بانک‌ها گذاشته‌اند . این باید دو نوع خمس بدهد که در حقیقت چهل درصد باید خمس بدهد ... در شریعت اسلام پیغمبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) کسانی را بین این ثروتمندان می‌فرستادند آن مقدار مالی که حق خدا و قانون اسلامی بود از آنها اجباری می‌گرفتند .»

آیه الله ناصر مکارم شیرازی یکی از فقهای این مجلس به هنگام تصویب اصل ۴۹ قانون اساسی می‌گویند :

«این اصل هم ریشه قرآنی دارد : وَإِنْ تَبْتُمْ فَلَكُمْ رُؤُوسُ أَمْوَالِكُمْ ، اموال ربوي باید به صاحبانش برگردد ؛ و هم ریشه حدیثی دارد : علي (علیه‌السلام) وقتی که به خلافت رسیدند فرمودند : تمام اموالی که از بیت المال به غارت رفته ، همه آنها را من برمی‌گردانم ولو این که این‌ها به مهریه زنان رفته باشد و از آن استفاده‌های مختلف کرده باشند . و از نظر فقهی مسلم است اموالی که از طریق حرام به دست بیاید ، گذشت زمان ایجاد مالکیت نمی‌کند» .

دکتر ضیایی نیز یکی دیگر از نمایندگان این مجلس در همین جا می‌گوید :

« ما اقتصاد نظام گذشته را بیش‌تر از جانب ثروتمندان و بازرگانانی می‌بینیم که از بانک‌ها اعتبار و پول گرفتند و تجارت خارجی کردند مثلاً شیشه متری شانزده تومانی را متری هشتاد و پنج تومان فروختند و بقیه اجناس هم همین طور . و اینها از اعتبارات بانکی استفاده کردند ؛ یعنی از اعتبارات ملت ، و جنسی را هم که آوردند ده برابر فروختند و تورم ایجاد کردند ، کیسه خودشان را پر کردند

و اختلاف طبقاتی ایجاد کردند و در نتیجه این اعتبارات، مقدار زیادی هم به بانک‌ها ربا دادند که آن حرام بود، قسمت اولش هم حرام بود.»

آقای عبد خدائی یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی در بخشی از سخنان خود به هنگام طرح لایحه نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی، از اصطلاح استرداد به جای مصادره استفاده می‌کند. ایشان با استناد به این سخن امیر المومنین (ع) که: «والله لو وجدته قد تزوج به النساء و ملک به الاماء لرددته، فان في العدل سعة و من ضاق عليه العدل فالجور عليه اضيق» می‌گوید:

«حتی اگر مال حرام در کابین زنان باشد باید به صاحبش برگردد و باید به بیت المال (مسترد) بشود، این از نظر اسلامی خیلی روشن است.»

آقای زمانی یکی دیگر از نمایندگان از مصادره با اصطلاح (پس گرفتن) یاد می‌کند او می‌گوید:

«اموالی که اسباب تملیک ندارد، از حرام، غضب، قاجاق، مشاغل حرام، تجاوز به انفال، فحشا، ربا، ارتشا، سوء استفاده، کم‌فروشی، گران‌فروشی و غش در معاملات گرد آمده، در دست هر کس و با هر موقعیتی که هست باید (پس گرفت) و قوانین تقریباً روشنی هم وجود دارد. نگرفتن این گونه اموال، تعطیل قانون است و سکوت و عدم اقدام، مشارکت در گناه.»

آیت الله آذری قمی نیز ضمن دفاع از لزوم مصادره اموال، از آن به عنوان استرداد یاد می‌کند. او می‌گوید:

«همین اصل مالکیت است که اجازه استرداد اموال به غارت رفته را می‌دهد، نه اصل مبارزه - آن طور که بعضی‌ها می‌گویند - چطور ما به خود اجازه می‌دهیم که این اصل و قانون را بی‌اعتبار جلوه دهیم. همان طور که عرض کردم ما هم معترضیم و می‌گوییم باید اموال طاغوت‌چپه‌ها را نگه داشت و به آن‌ها پس نداد، ولی از راه قانون.»

آقای دري نجف آبادي یکی دیگر از نمایندگان به هنگام بحث راجع به تبصره ۸۲ قانون بودجه سال ۱۳۶۲ می‌گوید:

«و اگر افرادی سوء استفاده کردند، فرصت‌طلبی کردند، غارت کردند، دزدی کردند، امثال ذلک، احتکار کردند، ربا خواری کردند، رشوه خواری کردند به صورت‌های دیگر که اموالشان



اموال نامشروع است در حقیقت از اموال عمومی جامعه اینها جمع کردند ، یک جا انباشته شده و عده بسیاری هم در جامعه محروم و مستضعف و بیچاره و بینوا و نیازمند به کمک‌های جدی ما هستند . ما گفتیم که خوب ، این اموالی که از این کانال در رابطه با تبصره ۸۲ مطرح می‌شود بیاید در اختیار کمیته امداد قرار بگیرد .»

### ۳-۲-۱- قوانین مرتبط :

در این بخش بعضی از قوانین مرتبط با مصادره را که در سال‌های نخستین پس از پیروزی انقلاب اسلامی به تصویب رسیده است ، بررسی می‌کنیم تا معلوم شود که هیچ‌گاه مبنا و علت حکم مصادره، انبوه شدن ثروت نبوده است ، بلکه همان جهاتی که علت تجویز فقهی مصادره گردیده ، دلیل حکم قانونی آن نیز قرار گرفته است . البته این سخن به معنای تأیید مطلق قوانین مزبور نیست ، چنان که شورای نگهبان نیز در بعضی از موارد به آن‌ها ایراد گرفته است . مهم‌ترین علل مصادره در قوانین ذیل، نامشروع بودن اموال مصادره شده به دلیل عمومی بودن و یا اکتساب از راه‌های حرام و نیز مدیون بودن صاحبان آن‌ها به دولت (تقاص) قلمداد شده است و از مصادره به دلیل ضرورت و یا مصلحت ، اثری به چشم نمی‌خورد .

### ۳-۲-۱-۱- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران :

اصول ۴۵ و ۴۹ قانون اساسی ناظر به موارد بسیاری است که ما در گذشته آن‌ها را از نظر فقهی ثروت‌های عمومی و یا ثروت‌های نامشروع دانستیم .

اصل ۴۵ مقرر می‌کند :

« انفال و ثروت‌های عمومی از قبیل زمین‌های موات یا رها شده ، معادن ، دریاها ، دریاچه‌ها ، رودخانه‌ها و سایر آب‌های عمومی ، کوه‌ها ، دره‌ها ، جنگل‌ها ، نزارها ، بیشه‌های طبیعی ، مراتعی که حریم نیست ، ارث بدون وارث و اموال مجهول‌المالک و اموال عمومی که از غاصبین مسترد

می‌شود، در اختیار حکومت اسلامی است تا بر طبق مصالح عامه نسبت به آن عمل نماید. تفصیل و ترتیب استفاده از هر یک را قانون معین می‌کند.»

این اصل به (استرداد) کلیه اموال عمومی و از جمله موارد انفال نظر دارد.

و در اصل ۴۹ آمده است:

«دولت موظف است ثروت‌های ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوء استفاده از موقوفات، سوء استفاده از مقاطعه کاری‌ها و معاملات دولتی، فروش زمین‌های موات و مباحات اصلی، دایر کردن اماکن فساد و سایر موارد غیر مشروع را گرفته و به صاحب خود رد کند و در صورت معلوم نبودن او به بیت المال بدهد، این حکم باید با رسیدگی و تحقیق و ثبوت شرعی به وسیله دولت، اجرا شود.»

### ۳-۲-۱-۲- قانون حفاظت و توسعه صنایع ایران:

بعد از قانون اساسی احتمالاً مهم‌ترین قانونی که مربوط به مصادره اموال است، قانون حفاظت و توسعه صنایع ایران<sup>۱</sup> است. این قانون در دو ماده تنظیم شده است. در ماده اول صنایع موجود به حسب شرایط به چهار دسته تقسیم شده است. قانون مزبور از دسته دوم چنین یاد می‌کند:

«صنایع و معادن بزرگی که صاحبان آن از طریق روابط غیر قانونی با رژیم گذشته استفاده نامشروع از امکانات و تضييع حقوق عمومی به ثروت‌های کلان دست یافته‌اند و برخی از آنها از کشور متواری هستند و دولت طبق لایحه قانونی شماره ۶۷۳۸ مورخ ۱۳۵۸/۳/۲۶ مدیریت آنها را در اختیار گرفته است. سهام این گونه اشخاص به تملک دولت درمی‌آید. هرگونه رسیدگی مالی و فنی و حقوقی نسبت به این گونه اشخاص در اختیار دولت خواهد بود.»

**x تبصره:** بهای سهامی که طبق فرمان امام متعلق به بنیاد مستضعفان می‌شود، پس از ارزیابی در

صورتی که مازاد بر دیون دولت باشد، از طرف دولت به این بنیاد پرداخت می‌گردد.»

<sup>۱</sup> - مصوب ۱۰ تیرماه ۱۳۵۸.

با کمی دقت در متن قانون، علت مصادره این گونه اموال را درمی یابیم. علت آن تحصیل ثروت از طریق روابط غیر قانونی با رژیم گذشته، استفاده نامشروع از امکانات و تضييع حقوق عمومي بيان شده است. و بر مبناي مفاد تبصره، مدیون بودن صاحبان اموال مصادره شده به دولت (تقاص)، مبناي مصادره مي باشد.

قانون مزبور دسته سوم صنايع را اين چنين بيان مي کند:

« کارخانجات و موسساتي که وامهاي قابل توجه براي احداث يا توسعه از بانکها دريافت داشته اند، در صورتي که کل بدهي آنها از دارايي خالص آنان بالاتر باشد، متعلق به دولت است و بقيه بدهي ايشان به عنوان طلب دولت و مردم به هر صورت که مقتضي باشد وصول خواهد شد.»

در اين بند به افزون بودن بدهي بر ثروت به جاي مانده اشاره شده است که ما در بحث فقهي از آن با عنوان تقاص ياد نموديم.

### ۳-۲-۱-۳- قانون لغو مالکیت اراضی شهری و کیفیت عمران آن:

قانون گذار در مقدمه اين قانون مي گوید:

« از آن جا که طبق موازين اسلام زمين موات ملک کسي شناخته نمي شود در اختيار دولت اسلامي است و اسناد مالکيتي که در رژيم سابق نسبت به زمينهاي موات در داخل محدوده شهري يا خارج آن صادر شده بر خلاف موازين اسلام و مصلحت مردم بوده است.»

اين مقدمه که به منزله فلسفه و دليل تصويب قانون مزبور است، مطابق با گفتار گذشته ما است که زمينهاي موات را جزء اموال عمومي برشمرديم.

### ۳-۲-۱-۴- قانون معادن :

قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ماده ۱۶۱ قانون معادن در سال‌های ۱۳۰۷، ۱۳۱۷ و ۱۳۳۶ به تصویب رسید و پس از پیروزی انقلاب اسلامی، اصل ۴۵ قانون اساسی، معادن را در زمره اموال عمومی قلمداد نمود. هم‌چنین قانون معادن مورخ ۱۳۶۲/۳/۱ و قانون اصلاح قانون معادن مورخ ۱۳۶۴/۲/۲۶ به تصویب رسیدند که مجموع این قوانین، مبین عمومی بودن معادن و عدم قابلیت برای تملیک و تملک توسط اشخاص خصوصی است (مگر در موارد نادر).

### ۳-۲-۱-۵- قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران :

یکی از قوانینی که به خوبی مدعای این تحقیق را اثبات می‌کند قانون فوق است که مورخ ۱۳۶۳/۵/۱۷ به تصویب رسید. برخی از مواد این قانون عبارت‌اند از :

« ماده ۲- دارایی اشخاص حقیقی و حقوقی محکوم به مشروعیت و از تعرض مصون است مگر در مواردی که خلاف آن ثابت شود .

ماده ۳- به منظور اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، شورای عالی قضایی موظف است در مرکز هر یک از استان‌های کشور و شهرستان‌هایی که لازم بداند شعبه یا شعبی از دادگاه انقلاب را جهت رسیدگی و ثبوت شرعی دعاوی مطروحه معین نماید .

ماده ۵- دادستان موظف است رأساً نسبت به اموال و دارایی اشخاص حقیقی یا حقوقی در موارد زیر که آن‌ها را با توجه به دلایل و امارات موجود، نامشروع و متعلق به بیت المال یا امور حسبه تشخیص دهد، از دادگاه صالح رسیدگی و حکم مقتضی را تقاضا نماید .

ماده ۷- در صورتی که اموال نامشروع از اموال عمومی یا انفال باشد، محکوم به، در اختیار دولت جمهوری اسلامی ایران قرار می‌گیرد .

ماده ۸- دادگاه پس از احراز نامشروع بودن اموال و دارایی اشخاص حقیقی یا حقوقی در صورتی که مقدار آن معلوم باشد، چنانچه صاحب آن مشخص است باید به صاحبش رد شود ولی اگر

صاحب آن مشخص نیست در اختیار ولی امر قرار داده می‌شود و اگر مقدار آن معلوم نباشد، چنانچه صاحب آن مشخص است باید با صاحب مال مصالحه نماید ولی اگر صاحب آن مشخص نیست باید خمس مال را در اختیار ولی امر قرار دهد.»

### ۳-۲-۱-۶- چگونگی ضبط و مصادره اموال قاچاقچیان :

قانون‌گذار در موارد ۴، ۵ و ۸ قانون مجازات اسلامی، با توجه به میزان مواد و چگونگی عملکرد قاچاقچیان مجازات‌هایی را اعم از (حبس، شلاق، مصادره اموال و جریمه) برای این دسته از مجرمان تعیین کرده است.

محمد حسین صمدی، در ارتباط با مصادره اموال قاچاقچیان، اظهار داشت: مصادره به معنای گرفتن اموال له دولت از محکوم علیه به وسیله یکی از صورت‌های مشخص شده در قوانین است که در زمینه مبارزه با مواد مخدر مصادره از نوع خاص آن پیش‌بینی شده که با مصادره عام متفاوت است. از آنجایی که حجم زیادی از آمار زندانیان، به خصوص زندانیان خارج از کشور را مجرمان مرتکب جرائم مواد مخدر تشکیل می‌دهند، تعیین مجازات مصادره اموال برای این دسته از مجرمین راهکاری مناسب برای جلوگیری از این جرایم است.

ماده ۲ قانون راجع به جلوگیری از عمل قاچاق توسط وسایل نقلیه موتوری، دریایی، وسیله اداره مرزبانی مصوب ۱۳۶۶/۸/۹ که مقرر داشته: «هر گاه قاچاق به وسیله وسایل نقلیه دریایی صورت گیرد، علاوه بر محکومیت مرتکب قاچاق، حکم به ضبط وسیله نقلیه به نفع دولت صادر خواهد شد، بنابراین، این قانون مصداق بارزی از ضبط و مصادره بخشی از اموال است.

درآمدهای ناشی از اجرای قانون مصادره توسط دستگاه‌های ذیربط وصول و بدون دخل و تصرف در آنها به حساب خزانه داری کل واریز می‌شود. (صمدی، ۱۳۹۲)

### ۳-۲-۱-۷- بررسی و تحلیل رأی وحدت رویه رأی ۶۲۵ - ۱۳۷۷/۷/۸

ابتدا خلاصه ای از موضوع و سپس اصل رأی را ذکر می کنیم ، آنگاه با تجزیه و تحلیل رأی و تفاوت ضبط آلات و ادوات جرم موضوع ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی ، و ضبط اموال موضوع بند ۳ ماده ۲۱ و قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب به بررسی مبانی حقوقی و مصادیق این دو می پردازیم.

**الف) طرح بحث -** رئیس دادگستری چابهار طی شرحی به دادستانی کل کشور اعلام داشته که شعبه دوم دادگاه عمومی چابهار در دو پرونده جداگانه ، در مورد صید در محدوده کمتر از هفت مایل دریایی ، دو کاپیتان متخلف کشتی صیادی را که بدون مجوز اقدام به صید کرده اند ، طبق بندهای یکم و چهارم ماده ۲۲ قانون حفاظت و بهره برداری از منابع آبی جمهوری اسلامی ایران ، علاوه بر جریمه نقدی ، به مصادره محصولات صیادی نیز محکوم کرده است .

آرای صادر شده به استناد بند ۳ ماده ۲۱ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب ، به دیوان عالی کشور ارسال شده و شعب چهارم و نوزدهم ... در این مورد ، دو رویه متفاوت اتخاذ کرده اند. شعبه چهارم دیوان عالی کشور طی دادنامه شماره ۱۴/۲۵ ، موضوع را در صلاحیت دیوان عالی کشور دانسته و رأی را ابرام کرده است !

شعبه نوزدهم دیوان عالی کشور در دادنامه شماره ۲۷۸/۱۹ - ۱۳۷۵/۱۰/۳۰ چنین استدلال کرده است : « غرض قانونگذار در بند ۳ ماده ۲۱ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب موردی است که مصادره و ضبط اموال مستقلاً به لحاظ نامشروع بودن آن انجام می شود و شامل آلات و ادوات جرم یا مواردی که اموال به تبع امر جزایی به حکم قانون بایستی ضبط شود ، نمی گردد . و چون ضبط صیادهای کشتی به دعوی تخلف از مقررات قانونی حفاظت و بهره برداری از منابع آبی جمهوری اسلامی ایران بوده و به تبع محکومیت کیفری بوده ، شامل مورد نیست » و رسیدگی به تجدیدنظر خواهی معترض را در صلاحیت دادگاه تجدیدنظر استان دانسته است . هیأت عمومی دیوان عالی کشور به تقاضای دادستان کل کشور تشکیل شده و پس از بحث و بررسی به اکثریت آرا چنین رأی داده است :

رأی ۶۲۵ - ۱۳۷۷/۷/۸ :

« بند ۳ ماده ۲۱ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب ناظر به احکام مصادره و ضبط اموالی است که به موجب بند ۶ ماده ۵ قانون مذکور، به موجب اصل ۴۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، از دادگاههای انقلاب اسلامی صادر می گردد، و به آلات و ادوات جرم و اموالی که به تبع امر جزایی و به حکم قانون بایستی ضبط گردد، تسری ندارد و رسیدگی به درخواست تجدیدنظر آنها تابع قواعد رسیدگی به اصل جرم است. لذا اعتراض به مصادره شناور ها و محصولات صیادی و آلات و ادوات صید که ناشی از تخلف از مقررات قانون حفاظت و بهره برداری از منابع آبی بوده، از شمول بند ۳ ماده مرقوم خارج و رأی شعبه نوزدهم که با این نظر مطابقت دارد، صحیح و مطابق موازین قانونی است ». (فرج اللهی، ۱۹۵)

### ۳-۳- مبانی مشروعیت ضبط و مصادره اموال :

در این قسمت به اختصار به بررسی موضوعات مذکور می پردازیم :

### ۳-۳-۱- دلایل مشروعیت تعزیر مالی :

در خصوص ماهیت مصادره و مشروعیت آن به عنوان نوعی تعزیر مالی، یکی از حقوقدانان چنین می نویسد :

« مصادره یا ضبط دیوان، مجازاتی است از سنخ جریمه های مالی که اگر مسبوق به محاکمه قاضی عادل و صدور حکم باشد می تواند تحت عنوان تعزیر قرار گیرد. اگر بدون محاکمه باشد، سندی از شریعت مطهره بر آن نیست. غزالی آن را منع کرد و مؤلف کتاب سلوک الملوک که مفتی اعظم دستگاه عبدالله خان اوزبک بود، گفته است که مصادره حرام محض است و هیچ شرع آن را مباح نکرده است و هیچ اجتهاد آن را تجویز ننموده است و مستحل آن کافر است و هر که با او داد و

ستد کند فاسق است. یعقوبی مورخ می نویسد که معاویه، اولین کسی است که دستور صادره را صادر کرده است». (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۵، صص ۳۳۷۴ و ۳۳۷۵)

پرسشی که از نظر فقهی در این خصوص مطرح می شود این است که آیا می توان مجرم را به وسیله مال (به صورت نابود کردن یا گرفتن از او) مورد تعزیر و تنبیه قرار داد؟ یکی از فقهای شیعه در این خصوص چنین می نویسد:

«در این مسئله دو دیدگاه است:

**الف) دیدگاه جواز:** از آن روی که غرض از تعزیر، بازداشتن افراد از ارتکاب اعمال ناپسند است و یا تعزیر مالی در رسیدن به این مقصود مؤثرتر و بازدارنده تر و برای مجرم و اجتماع، نافع تر باشد، پس اطلاق ادله حکومت، بر جواز آن دلالت دارد، به علاوه، روایات مختلف در مسائل گوناگون نیز وارد شده که صحت آن را به ذهن نزدیکتر می کند.

**ب) دیدگاه عدم جواز:** از آن جهت که احکام شرعی، توفیقی است و بستگی به نظر شارع مقدس دارد، و نمی توان، از آنچه در باب حدود و تعزیرات وارد شده تجاوز کرد و مواردی دیگر را به آن اضافه نمود». (منتظری، ۱۳۷۰، ۵۰۷-۵۰۸)

ایشان که خود از طرفداران دیدگاه نخست است در تأیید مطلب فوق به دلایل متعددی اشاره کرده است که به اختصار به بررسی مهم ترین موارد آن می پردازیم:

## آیات و روایات:

آیات و روایات مختلفی، دلالت بر جواز تعزیر مالی دارد که به اختصار به آن اشاره می کنیم.

یکی از این آیات آیه شریفه ۹۷ از سوره مبارکه طه در مورد سوزاندن مجسمه گوساله ای توسط حضرت موسی (ع) که مورد پرستش قرار گرفته بود می باشد. از این آیه شریفه استفاده می شود که در هم شکستن و از بین بردن مظاهر فساد که ممکن است افراد ساده و کج فکر را به طرف تیبانی



بکشاند ، بر نگهداری آن در موزه ها ترجیح دارد . گوساله سامری ، گوساله بسیار گران قیمتی بود که سامری با زیور آلات بنی اسرائیل آن را ساخته بود . احکام ادیان گذشته را تا آنگاه که نسخ آن ثابت نشده می توان در شریعت اسلام هم استصحاب نمود . ( همان ، ۵۱۳ )

روایات متعددی از معصومین وارد شده است که دلالت بر جواز تعزیر مالی دارد . در این خصوص می توان به خراب کردن و آتش زدن مسجد ضرار با وجود مالیت داشتن آن توسط پیامبر اکرم (ص) ، و آنچه از آن حضرت وارد شده در مورد تهدید به مصادره لباس و وسایل فردی که از زدن دف (تنبک) و نواختن موسیقی حرام کسب درآمد می کرد ، و آنچه از پیامبر اکرم (ص) در مورد شکستن خم های شراب و دو نیم کردن ظرف های آن وارد شده ، و آنچه از آن حضرت در مورد سوزندان متاع شخص خیانکار ( شخصی که در متاع خود تقلب می کند ) روایت شده ، و آنچه از امیرالمومنین (ع) در مورد به آتش کشیدن محل شراب فروشی روایت شده است ، اشاره کرد .

فقیه نامبرده در خصوص روایات فوق چنین می نویسد :

« خلاصه ، آنچه از مجموع این روایات و روایات مشابه آن به دست می آید ، این است که تعزیر مالی به شکل از بین بردن مال یا گرفتن از صاحب آن ، چیزی است که اجمالاً در شرع وجود دارد و وجهی برای بعید شمردن آن وجود ندارد و انسان اطمینان می یابد که برخی از این روایات اجمالاً از معصوم صادر شده است و علت اینکه فقهای ما امامیه متعرض این مسئله نشده اند از آن روست که اینگونه تعزیر نمودن مجرمین ، از شئون حکومت است و آنان از حکومت بر کنار بوده اند ، چنانچه بر صاحب نظران پوشیده نیست » . ( همان ، ۵۲۳ )

روایتی دیگر نامه امام حسین (ع) به معاویه در مورد مصادره اموال معاویه می باشد :

« مِنَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ إِلَى مُعَاوِيَةَ بْنِ أَبِي سُفْيَانَ : أَمَّا بَعْدُ ، فَانْ عِيرَا مَرْتِ بِنَا مِنْ الْيَمَنِ ، تَحْمَلُ مَالاً وَحَلَالاً وَعَنْبَرًا وَطَبِيبًا إِلَيْكَ لِتَوَدِّعَ حَزَائِنَ دِمَشْقَ ، وَتَعْلِبَ بِهَا النَّهْلَ بِنِيَّ ابِيكَ وَانِي اِحْتَجَّتْ إِلَيْهَا فَاخَذَتْهَا ، وَالسَّلَامَ . كَارَوَانِي مِنْ يَمَنِ ، اَمْوَالُ وَزِينَةُ اَلَاتِ وَعَنْبَرٌ وَعَطْرِيَاتُ رَا بِي دِمَشْقَ حَمَلُ مِي كَرْدُ ، اِمَامُ حُسَيْنِ (ع) اَيْنَهَا رَا ضَبَطَ نَمُودُ وَبِي مَعَاوِيَةَ نُوشتِ كِه : « كَارَوَانِي مِنْ يَمَنِ ، عَطْرِيَاتِي رَا

به دمشق حمل می کرد که تو آنها را در خزائن دمشق ذخیره نمائی تا تشنگان اولاد پدرت را مکرر سیراب کنی ، من به آن اموال نیاز داشتم ، لذا آنها را مصادره کردم . (ناسخ التواریخ ، ۱۳۳۷ ، جلد ۱ ، ۱۹۵)

مصادره دومی هم توسط امام حسین (ع) در زمان یزید اتفاق افتاد که اموالی را از یمن برای یزید می بردند ، حضرت در محل تنعیم آنها را مصادره کرد و سپس به صاحبان شتر فرمود : « هر یک از شما می خواهد همراه ما به عراق بیاید و هر کس هم که می خواهد از اینجا برود ، ما کرایه او را به مقداری که آمده ، پرداخت می کنیم .

علامه بحرالعلوم این اخبار را صحیح نمی داند و مقام امام معصوم (ع) را بالاتر از اینها می داند که اموال حکومت را ضبط نماید و بین محتاجین تقسیم کند . برای تبیین مساله لازم است به چند مساله توجه داشته باشیم :

اولاً : پیامبر(ص) اموال مشرکین را مصادره کرده است ، هنگامی که اصحاب خود را جمع کرد و حتی برای رفتن قرعه هم می انداختند و از یکدیگر سبقت هم می گرفتند ، فرمودند : « هذِهِ عَیْرُ قُرَیْشٍ فِیْهَا أَمْوَالُهُمْ ، لَعَلَّ اللّٰهَ یَغْنَمُکُمْ هَا . این کاروان قریش است ، امواتان در این کاروان می باشد (بشتابید تا) شاید خداوند شما را بی نیاز کند . »

ثانیاً : بنی امیه و بنی عباس همگی غاصب و تصرفات آنها غیر شرعی و حرام بوده است و حتی بر طبق روایات اسلامی ، ترافع و تخاصم در نزد آنها حرام است بنابراین ، خلیفه هر عصر ، امام معصوم همان عصر است و سایر تصرفات و مداخلات باید به اجازه آنها باشد و در عصر غیبت ، با اذن فقهای عادل می باشد .

ثالثاً : امام (ع) بدینوسیله عدم مشروعیت حکومتهای غاصب را می رساند و اعلان می کند که این اموال ، مربوط به بیت المال است و امثال معاویه و یزید ، حق تصرف در این اموال را ندارند .

مضافاً که اصحاب ائمه (ع) در آن عصر ، همین تلقی را داشتند و متوجه بودند اموالی را که از طریق دستگاه بنی امیه و بنی عباس به دست می آورند ، باطل است و حق تصرف ندارند ، لذا آنها را به

خدمت ائمه (ع) می آوردند ، چون معتقد بودند زمین و آنچه در آن است از آن امام معصوم (ع) است.

### جریان علباء اسدی :

علباء اسدی حاکم بحرین بود و از این راه هفتاد هزار دینار و اموال دیگری را کسب کرده بود چون به مدینه آمد ، تمام اموال خود را خدمت امام صادق (ع) آورد و عرض کرد : « إِنِّي وَكَيْتَ الْبَحْرَيْنِ لِبَنِي أُمِيهِ وَ أَفَدْتُ كَذَا وَ كَذَا وَ قَدْ حَمَلْتَهُ إِلَيْكَ وَ عَلِمْتُ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَمْ يَجْعَلْ لَهُمْ مِنْ ذَلِكَ شَيْئًا وَ إِنَّهُ كُفُّهُ لَكَ ، فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) : هَاتِهِ فَوْضِعَ بَيْنَ يَدَيْهِ فَقَالَ لَهُ (ع) : قَدْ قَبَلْنَا مِنْكَ وَ وَهَبْنَا لَكَ وَ أَحَلَّلْنَاكَ مِنْهُ وَ ضَمْنَا لَكَ عَلَى اللَّهِ الْجَنَّةَ .

من از طرف بنی امیه ، حاکم بحرین بودم و اموالی را بدست آوردم ، اکنون آنها را نزد شما آوردم ، چون می دانم که خداوند متعال برای آنان حقی در این اموال قرار نداده و تمام آنها برای شماست حضرت فرمود : بیاور آن اموال را ، علباء ، تمام اموال را نزد حضرت گذاشت ، آنگاه امام (ع) فرمود : اینها را از تو قبول کردیم و به تو بخشیدیم و برای تو حلال کردیم و بهشت را هم برای تو ضمانت کردم .

### خمس اموال مسمع بن عبدالملک :

مسمع خدمت امام صادق (ع) رسید و عرض کرد : « در بحرین از راه غواصی ، چهار صد هزار درهم به دست آورده ام و اکنون هشتاد هزار درهم آن را به عنوان خمس ، خدمت شما آورده ام . » حضرت فرمود : خیال می کنی فقط خمس اموال برای ما است : ان الارض کلها لنا فما اخرج الله منها من شیء فهو لنا . زمین و آنچه از زمین به دست می آید برای ماست . مسمع گفت : پس تمام

اموال را خدمت شما می آورم . امام (ع) فرمود : آنها را برای تو حلال کردیم و این هشتاد هزار درهم را هم به تو بخشیدیم .

پس جای تاملی باقی نمی ماند که امام حسین (ع) می تواند اموال معاویه و یزید را مصادره کند ، چون آنان غاصب هستند .

## نتیجه گیری

در این پایان نامه ابتداً برای آنکه درک بهتری از موضوع داشته باشیم در فصل اول، به کلیات و تعاریف و شناخت مفاهیم پرداختیم. ضبط و مصادره و مال را بررسی کردیم و تاریخچه مصادره در اسلام و متون تاریخی ایران را مرور کردیم. و همچنین بحث مصادره در حکومت جمهوری اسلامی را مطالعه کردیم، سپس ماهیت و انواع و اهداف مصادره را در فصل دوم واکاوی نمودیم و از همه مهم تر مبانی مشروعیت مصادره را در فصل سوم بررسی نمودیم. موضوع مصادره که زیر مجموعه ای از ضبط اموال می باشد را به خوبی شناختیم تا بتوانیم با گردآوری این مطالب جواب سؤالات و اهداف خود از پژوهش پیرامون این موضوع را به دست آوریم و با بررسی این مطالب، دیدگاه حضرت امام خمینی (ره) در مورد مصادره و نظریات متفاوت پیرامون این موضوع قابل فهم و شناخت شد. حال به سؤالات خود پاسخ خواهیم داد:

همانطور که بررسی کردیم، مصادره به معنای تملیک مال به دولت و محرومیت دائمی مالک از تمام یا قسمتی از اموال خود بدون جبران خسارت را گویند و در متون فقهی نیز موارد بسیاری از این دست وجود دارد که در بطن تحقیق به آنها اشاره شد که حتی ائمه معصومین (ع) نیز چنین اقداماتی را انجام داده اند، همچنین، در قوانین جمهوری اسلامی ایران نیز این موضوع در اصول ۴۵ و ۴۹ قانون اساسی و موادی چند در قانون مدنی و قوانین دیگر همچون قانون حفاظت و توسعه صنایع ایران، قانون لغو مالکیت اراضی شهری، قانون معدن و قانون اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی به چشم می خورند که همگی گواه بر مشروعیت قانونی این امر می باشند.

امام خمینی (ره) بر طبق قوانین اسلام و مسائل حقوقی همیشه به مالکیت خصوصی افراد احترام گذاشته و اموال خصوصی مردم را محترم شمرده اند، اما نکته آنجاست که مصادره مربوط به زمانی است که مال افراد به صورت نامشروع اندوخته شده باشد، یعنی با ربا، غصب، رشوه، احتکار، اضرار به غیر و یا عدم پرداخت مالیات های ثابت مانند خمس و زکات و مالیات های متغیر که توسط حکومت اسلامی معین می شود به دست آمده باشد. که دیگر این مال از زمره اموال خصوصی خارج است و مصادره و ضبط دائم این اموال ربطی به مالکیت خصوصی افراد پیدا نمی کند. بنابراین

مالکیت خصوصی افراد همیشه دارای حرمت است کمااینکه حضرت امام (ره) در برخی از سخنرانی‌های خود فرموده اند: غصب مال مردم به اسم مصادره و غیره را به ایشان نسبت ندهید و ایشان را ضایع به غصب مال مشروع افراد نبوده و شدت با این موضوع برخورد کرده اند.

مصادره یک حکم حکومتی است، زیرا اگر قرار باشد هر شخصی خود اقدام به این کار کند دیگر سنگ بر روی سنگ بند نخواهد شد و عنان کار از دست حکومت خارج خواهد شد. بنابراین، مصادره یک حکم حکومتی و حاکمیتی می‌باشد و دستور ایجاد یک کارگروه برای رسیدگی و مصادره اموال نامشروع از اختیارات حکومت و ولی فقیه است، مثلاً می‌توان به حکم تاریخی حضرت امام خمینی (ره) در مورد مصادره اموال خاندان پهلوی و عمال آنها اشاره نمود، همچنین این موضوع در قوانین جمهوری اسلامی ایران نیز راه یافته است. هم‌اکنون به طور مثال افرادی که دست به قاچاق کالا می‌زنند بر طبق قوانین اموال آنها که از راه فرار مالیاتی به دست آمده است مصادره خواهد شد، پس می‌توان نتیجه گرفت مصادره یک حکم حکومتی است.

در پایان این نکته حائز اهمیت است که مصادره به نوعی باز پس‌گیری اموال نامشروع از افراد، به نفع جامعه و مستضعفان است، بنابراین بر خلاف اصول فقهی و حقوقی نمی‌باشد به شرط آنکه اجرای آن به گونه‌ای صحیح و بدون اضرار به اموال خصوصی و مشروع افراد باشد.

# منابع

قرآن کریم

## (۱) منابع فارسی :

### الف کتب

(۱) اردبیلی، محمد علی، حقوق جزای عمومی، ۱۳۸۶، جلد دوم، چاپ شانزدهم، تهران، نشر میزان.

(۲) امام خمینی (ره)، سید روح الله، کتاب البیع ۱۳۶۸، چاپ چهارم، قم، انتشارات اسماعیلیان.

(۳) بکاریا، سزار، جرایم و مجازات‌ها، ترجمه محمدعلی اردبیلی، ۱۳۶۸، تهران، انتشارات شهید بهشتی.

(۴) بهرامی احمدی، حمید، سوء استفاده از حقوق، ۱۳۷۰، تهران، انتشارات اطلاعات.

(۵) جعفری لنگرودی، محمد جعفر، تاریخ حقوق ایران، ۱۳۸۵، تهران، کانون معرفت تهران.

(۶) خزائلی، محمد، احکام قرآن، انتشارات جاویدان، ۱۳۸۵، تهران.

(۷) دلیر، حمید، حقوق مصادره، ۱۳۹۰، چاپ اول، تهران، نشر میزان.

(۸) زراعت، عباس، شرح قانون مجازات اسلامی، بخش کلیات (حقوق جزای عمومی)، ۱۳۸۲، چاپ سوم، تهران، انتشارات ققنوس.

(۹) سپهر کاشانی، محمد تقی، ناسخ التواریخ، ۱۳۳۷، به کوشش جهانگیر قائم مقامی، تهران، انتشارات امیر کبیر.

(۱۰) سلیمی، صادق، جنایات سازمان یافته فرا ملی، ۱۳۸۲، چاپ اول، تهران، انتشارات تهران صدا.

(۱۱) سیاح، احمد، دائرة المعارف اسلامی، ۱۳۶۹، جلد سوم، تهران، انتشارات اسلامی.

(۱۲) شامبیاتی، هوشنگ، حقوق جزایی عمومی، ۱۳۷۲، جلد دوم، چاپ سوم، تهران، مؤسسه انتشاراتی ویستار.

(۱۳) عمید، حسن، فرهنگ عمید، ۱۳۴۵، چاپ نهم، تهران، انتشارات جاویدان.

(۱۴) فقیه نصیری، فیروز، پنجاه سال آراء وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور، ۱۳۷۹، چاپ اول، تهران، نشر صدوق.



- ۱۵) کاشانی ، ملا فتح الله ، خلاصه المنهج ، به تصحيح ميرزا ابوالحسن شعرانی ، ۱۳۵۳ ، جلد اول ، چاپ دوم ، تهران ، انتشارات اسلامي
- ۱۶) محمدی ، حمید ، ضبط ، مصادره ، استرداد و اخذ مال حاصل از جرم ، ۱۳۹۰ ، چاپ دوم ، تهران ، انتشارات کتابخانه گنج دانش .
- ۱۷) مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اظهارات آقای مقدسی شیرازی ، ۱۳۶۴ ، جلد سوم ، تهران ، نشر روابط عمومی مجلس شورای اسلامی .
- ۱۸) معین ، محمد ، فرهنگ فارسی ، ۱۳۶۲ ، تهران ، انتشارات امیرکبیر
- ۱۹) منتظری ، حسینعلی ، مبانی فقهی حکومت اسلامی ، ترجمه و تقرير محمود صلواتی ، ۱۳۷۰ ، جلد سوم ، چاپ اول ، قم ، نشر تفکر .
- ۲۰) نجفی ، شیخ محمد حسن ، جواهر الکلام ، ۱۳۹۸ ق ، جلد ۴۰ ، چاپ ششم ، تهران ، دارالکتاب اسلامیه .
- ۲۱) ----- ، صحیفه امام (ه) ، جلد ۱۰ ، ۱۲ و ۱۳ ، تهران ، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) .

## ب) مقالات

- ۲۲) اخوی ، ع ، بحث در موضوعات حقوقی : دادگاه ضبط قاچاق ، ۱۳۱۸ ، مجموعه حقوقی ، شماره ۳۴ .
- ۲۳) دلیر ، حمید ، نگرشی بر مجازات راشی در حقوق کیفری ایران ، ۱۳۷۲ ، مجله قضایی و حقوقی دادگستری جمهوری اسلامی ایران ، سال سوم ، شماره نهم .
- ۲۴) سیمائی ، حسین ، قلمرو مالکیت خصوصی و حکم مصادره اموال از دیدگاه امام خمینی (ره) ، ۱۳۷۸ ، مجموعه مقالات ، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س) .
- ۲۵) صمدی ، محمد حسین ، چگونگی ضبط و مصادره اموال قاچاقچیان ، ۱۳۹۲ ،

[www.abdolkhani.com/articles/39991](http://www.abdolkhani.com/articles/39991)

۲۶) میرعباسی، سید باقر، ملی کردن در حقوق بین الملل، ۱۳۷۱، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

## ج پایان نامه ها

- ۲۷) عباسی، اصغر، بررسی مساعی بین المللی در زمینه مبارزه با پول شویی و رویکرد نظام حقوقی ایران در قبال آن، رساله دکتری، دانشگاه تهران، ۱۳۸۵.
- ۲۸) فرج الهی، رضا، بررسی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در حقوق فرانسه، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۶.
- ۲۹) قاسمی، سید ابوالحسن، ضبط و مصادره اموال در حقوق کیفری ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرکز تهران، ۱۳۷۹.
- ۳۰) مسلمی پطرودی، نبی الله، ضبط و مصادره اموال در جرائم قاچاق و مواد مخدر، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، ۸۴-۱۳۸۳.

## ۲) منابع عربی :

- ۳۱) المنجد، ۱۹۸۶، چاپ ۲۱، بیروت، انتشارات مکتبه الشریقه.
- ۳۲) الیاس، انطون الیاس، قاموس العصری، باهتام سید مصطفی طباطبایی، ۱۳۵۸، چاپ پنجم، کتابفروشی اسلامیة.
- ۳۳) جرّ، خلیل، المعجم العربی، ترجمه سید حمید طیبیان، ۱۳۶۳، تهران، انتشارات امیر کبیر.
- ۳۴) جزیری، عبدالرحمن، الفقه علی المذاهب الاربعه، ۱۳۹۲ ق، جلد ۵، بیروت.
- ۳۵) راغب اصفهانی، ابوالقاسم محمد بن فضل، المفردات فی غرایب القرآن، ترجمه سید غلامرضا خسروی حسینی، ۱۳۶۱، تهران، انتشارات مرتضوی.

۳۶) شهید ثانی ، زین الدین بن علی بن احمد الشامی ، الروضة البهیه فی شرح اللمعة الدمشقیه ، ۱۳۱۰ ق ، تبریز .

### ۳) منابع انگلیسی :

40) Bowles Roger, and Michael Faure and Nuno Garoupu, "Economic Analysis of the Removal of Illegal Gains", International Review of Law and Economics, Vol 20, No 4, 2000.

41) Davis, Kevin E, "The Effect of Forfeiture on Third Parties", McGill Law Journal, No.48, 2003.

42) (FATF): "The Forty Recommendations of the Financial Action Task Force on Money Laundering and Terrorist Financing", 2003.

43) Gallant Mary Michelle, Money Laundering and the Proceeds of Crime: Economic Crime and Civil Remedies, First Edition, Edward Elgard Publishing Limited, U.K, 2005.

44) Garner, Bryan A, Black's Law Dictionary, Edition 8, Thomson West, U.S.A, 2004.

45) Hakinen Kaisa, "Law and Economic Analysis of Confiscating the Proceeds of Crime", University of Joensuu, Department of Business and Economics, 16 Pages, available at: <http://www.joensuu.fi>.

46) Lehmanand, Jeffrey, and Shirell, Phelps, West's Encyclopedia of American Law, (13 Vols), vol 4, Second Edition, Ditroit: Gale, 2005.

47) Report on the Confiscation of the Proceeds of Crime, Ireland, the Law Reform Commission.

48) Strasbourg Convention, Art 7(2) (A).

49) United Nations Office on Drugs and Crime (UNODC): Model Legislation on Laundering, Confiscation and International Cooperation in relation to proceeds of Crime, 1999, art 4.2.9.

50) United Nations Office on Drugs and Crime (UNODC): Model Money Laundering and Proceeds of Crime Bill, 2000.

51)United Nations Office on Drugs and Crime (UNCDP): Model Proceeds of Crime and Unlawful Activities, Money Laundering and Terrorist Financing Bill, 2004.

52)Zeldin, Michael F, and Roger G. Weine, “Innocent Third Parties and Their Rights in Forfeiture Proceedings”, American Criminal Law Review, Vol 28, Issue 4, 1991.

53)<http://vista.ir/article/246012>.

54)<https://fa.wikipedia.org>.

## Abstract

Requisition is to take someone property without paying indemnity for punishment that is consequences of crime or sometimes confiscation and using property without low authority. The legitimation of requisition basis is:

1) Verses and hadiths      2) Constitution of Islamic republic of Iran

The nature of confiscation is crime whether it's primary crime or complemental crime but requisition under Imam Khomeini's order that he defended them has law nature. There are several kinds of requisition:

Public requisition, private requisition, criminal requisition, civil requisition, Compulsory requisition, optional requisition, (mosadere einO baha). Imam Khomeini accepted the confiscation that has Fiqh and Law basis and he defended it. He accepted confiscation in cases such plunder the public properties and money, public debt but in so many times he mentioned that confiscation of legitimate properties has contrary to islamic principles and finally with stating order he ask authorities to prevent the confiscation of legitimate properties and to punish offenders we also conclude that the confiscation of properties has Fiqh and Law legitimation and according to reasons that we've presented doing so is necessity and required.

**Keywords:** Requisition, confiscation, Imam Khomeini, Ownership.



**ISLAMIC AZAD UNIVERSITY**

**Central Tehran Branch**

**Faculty of Humanities and Literature(A.M)**

**On :Fiqh and Principles of Islamic Law**

**Subject:**

Fiqh and Law Review of confiscation

In Imam Khomeini's opinion

**Supervisor:**

Dr. Jamshid Masoomi

**By:**

Hamed Davoodi

**Summer 2015**